

جنبش ضد رادرسنی سیا هان در آمریکا و قیام زحمکسان و
داسجوان انقلابی در کره جنوبی علیه امپریالسم
آمریکا و مردوران داخلی از راج سکا ریم و در سمی
و کسر هر خدمت رزات دمکراتیک و صدامیرا لسنی
حلبیای ایران و سامن رهبری طیفه کارگران که حزبی
از سکا رجنای حلبیای علیه امپریالسم است بگویم !

پیکار خلق کرد در هفته گذشته

مکالمات فرماندهان نظامی بازپرستان: اسناد زنده، از کردستان



صفحه ۶

● اومخو هدا مداری و کاورری و لولندکدا ما نه بحث سم طبقای و
ملی ، بلکه در کردستان خودمخا رود را روجا برای آزادی و مستقل.

جنبش سیاهان آمریکا: در کره جنوبی هم زمین

انفجار در قلب امپریالیسم

زیر پای آمریکا میلرزد

صفحه ۱۲

صفحه ۱۶

در این شماره:

- گزارشی از میتینگ روز دوشنبه ۵۹/۲/۲۲ صفحه ۱۱
- بیروزی سوسیالیسم برفاشیسم (۲) صفحه ۸
- رفیق محمد یزدانیان هنوز در اسارت بسر میبرد صفحه ۱۶
- رزم جمهوری اسلامی و جنبش دهقانی صفحه ۱۰
- سازمان مجاهدین خلق و جنبش کردستان (۲) صفحه ۹



دیگر سرنیزه های امپریالیسم نیز نمیتواند
آتش مبارزات سیاهان آمریکا را خاموش کند

آخرین گام برای

«تثبیت قانونی»

جمهوری اسلامی

● نگاهی به برخورد توده ها به جریان
انتخابات و ترکیب طبقاتی و جناح های
کوناگون مجلس شورای ملی

تشکیل مجلس شورای ملی آخرین گام برای تثبیت
«قانونی» جمهوری اسلامی ایران است هر چند که این
گامها تاکنون کمتر نتوانسته است به نفع دهائی داخلی
هیئت حاکمه ، قدرتهای جدید و بدرون آن ، فرو نشاندن
جنبش توده ای و ... خاتمه دهد . مجلس شورای ملی
سیر با وجود فراکسیون اکثریت حزب جمهوری اسلامی
در مقابل بسی صدر ، در آینه صحنه دیگری از حیدال
این نیروهای ارتجاعی خواهد بود . در رابطه با مجلس
کنونی مسائل زیر قابل طرح است :

۱- نگاهی به ترکیب طبقاتی این مجلس که از
روحانیون و اسبده حزب جمهوری اسلامی و نماینده
گان رمن داران و سرما به داران و تاجر و قشر مرفه
خرده بورژوازی سنی و ... تشکیل شده است ، بسیار
دیگر از حقیقت را نشان میدهد ، که بحث حاکمیت
طبقات است . استمارا رگرمور مجلس قانونگذاری که در آن
به نمایندگان سرما به داران و رمن داران بلکه
نمایندگان واقعی کارگران و دهقانان و دیگر
امتا رز حمتکن و خلقی مجلس را در دست داشته اند
بوج و دهنی است ، این حقیقتی است که کمونیستها
آن را در پرتو آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم ، که
بدرستی ما هیت یا رلما نهائی بورژوازی را بر مولا
و افشا میسازد ، تنک میدانند و آن را تبلیغ و ترویج
نقیه در صفحه ۲

تجارب از مبارزات

کارگران کارخانه نخ زرین

صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران



تجاری از مبارزات کارگران کارخانه نخ زرین

پیش از قیام بهمن ماه ۵۷ مبارزات کارگران کارخانه نخ زرین وضع یکبارجه و منجمی ندانست. کارگاه های درگیری های حسود و کینه ها با کارفرما پیدا میشد که آنهم سرعت در نظفه سرکوب می کردند. از حدود تیرماه سال ۵۸ زمزمه های در زمینه افزایش حقوق و تشکیل شورا در میان کارگران شکل میگیرد. که در ابتدا بعلمت سر کارگران از جاسوسی کارفرما، گفتگوها حول خواسته ها و مسائل صورت میگیرد. داردا ما بعد از طی یک دوره و یکس جوئیل از قیام در دهن کارگران آنها در نشست های علنی خواست های خود را مطرح می کنند.

با شروع مبارزات کارگران، کارفرما ۷ نفر از کارگران مبارز کارخانه را اخراج می کند. (تعداد کارگران این کارخانه حدود ۸۰ نفرند). اعتراض کارگران برای بازگشت رفقا به آن آغاز می گردد. کارگران نیکه خواستار بازگشت اخراجیها بودند، بطور عمده از میان جوانان بودند. کارگران من و قدیمی که عده ها هم کم نبود (حدود ۴۰٪) در این مورد بحث - طانه بر خورد می کردند. یکی از دلایل این مسئله این بود که کارگران آگاه و مومارز به کارگران قدیمی و من بهای کافی نداده و برای آگاه کردن آنها تلاش لازم نکرده بودند.

کارگران خواستار بازگشت اخراجیها و انتخاب شورای کارخانه بودند. آنها نسبت به کارگران اخراج شده، جنبان اعتنا و علاقه ای داشتند که در صورت انجام انتخابات شورا چندین نفر از میان آنها انتخاب می شدند. در این میان برای رسیدگی به مسئله اخراج کارگران، یک نفر از کمیته کارگری پلی تکنیک به کارخانه می آید. این فرد فریبکارانه میگوید: "من میتوانم کارگران اخراجی را بدخل بیاورم، اما چون میخواهم کارگران به نیروی خودشان پی ببرند از این رو زمین افراد داخل کارخانه شورای خود را انتخاب کنید و آنگاه اخراجیها را به کارخانه بر گردانید." این توصیه بیشتر از جهت انجام می گرفت که شورائی از میان کارگران داخل کارخانه انتخاب میشد (بعلمت کمبود تعداد اعتا مومارز در آن زمان آنها ازود تر به سازش کشیده میشد. کارگران اخراجی بی توجه به روحیه مبارزه جوئی کارگران در آن موقع تسلیم خواست نمایند.

کمیته کارگری پلی تکنیک سده و به کارگران داخل سفارش می کنند که شورای موقت را از میان خود برگزینند.

در جریان مبارزه برای بازگشت اخراجیها، روحیه عمومی کارگران بسیار بالا رفته بود. آن ترین و وحشی که در گذشته کارگران از کارفرما و عوا ملش داشتند فرو رفته بود. آنها اینک با شجاعت در مقابل کارفرما می ایستادند و حرفشان را می زدند. این قدم بزرگی بود.

سرانجام شورای موقت از میان کارگران داخل کارخانه انتخاب میشود و اقدام به بازگرداندن کارگران اخراجی می نماید. اما از آنجا که این شورا ترکیب نامحکومی داشت و نمی توانست با شکستجوی خواسته های کارگران باشد، کم کم زمزمه انحلال آن

داشتند و کارگران را بدینگونه از طرف دیگر پس از دستگیری این عده، عوا مل کارفرما با کمک کمیته جی ها، حرکات کارگران مبارز کارخانه را زیر نظر می گیرند. با این وجود کارگران مبارز کارخانه در چند مورد علامیه های افشاگرانه پیش می کنند که طی آن سه نفر دیگر از کارگران مبارز دستگیری شوند.

در این شرایط که از یک طرف حوفا ن بر کارخانه حاکم شده بود و از طرف دیگر عوا مل آگاه کارخانه در زندان سرب می بردند، و روحیه کارگران تضعیف شده بود، عده ای از کارگران مبارز کارخانه های اطراف، پیشنهاد می کردند که کارگران کارخانه دست از کار بکشند و نهم نمایانند. این پیشنهاد در ذات خود گرا بیزارانه گرا با نه را به نمای می گذاشت. زیرا تا عامل درونی آماجی تغییر را نداشته باشد،

- از آنجا که در جوامع سرمایه داری، وظیفه مدیریت کارخانه کشف شیوه های برای بالا بردن هر چه بیشتر شدت استثمار کارگران است، از این رو در چنین شرایطی (که دولت حاکم، دولت سرمایه داری است) نمایندگان کارگران نباید در مدیریت کارخانه شرکت کنند و یا آنرا بدست گیرند.
- برای کاهش هر چه بیشتر رجه استثمار، کارگران آگاه و مبارز باید بجای شرکت در مدیریت کارخانه و یا بدست گرفتن آن، خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت باشند.

عوا مل سیرونی نمیتوانند آنرا تغییر دهد. در حالیکه عده قابل توجهی از کارگران نخ زرین به لزوم تعطیل کار و بستن کارخانه از کارگران زندانی رسیده اند، چگونه میتوان با فشار از بیرون آنها را به آنها تحمیل کرد؟ از هماینترو کارگران مبارز داخل کارخانه که از روحیه کارگران کارخانه خبر میدادند، با انجام آن مخالف بودند.

سرانجام پس از چند روز که علامیه های در زمینه لزوم بستن کارخانه از کارگران اسپریش میشود، تعدادی از کارگران کارخانه های مجاور نیز عده ای از کارگران بیگاریس از تعطیل کار جلوگیری از کارخانه نخ زرین اجتماع می کنند.

کارگران این کارخانه نیز با روحیه ای خراب و با اکراد به آنها می پیوندند. اینک حادثی بین کارگران جوان و من سبب از پیش شده بود، دنیا له روی از و شوق کارگران جوان و کم بها دادن بکار آگاه ها که در میان کارگران من نتایج را نشان میداد. (کاری که در گذشته توسط کارگران آگاه زندانی صورت گرفته بود). اجتماع کارگران بیگاریس کارخانه ها در برابر کارخانه ها در برابر کارخانه نخ زرین و ابساز همبستگی با کارگران آن گذشته از آنکه به آنها در ادامه مبارزه با باری می داد، برای هیئت حاکمه نیز بسیار راحت کننده بود. هنگام تجمع کارگران در مقابل کارخانه، از طرف بعضی از کارگران زمزمه گروکارگیری کارفرما شروع میشود که در همین رابطه کارفرما از دیوار کارخانه فرار می کند.

نتیجه کار کارگران زندانی آزاد میشوند و فردا به کارخانه می آیند. در این روزها حضور نمایندگان شورا های متحد، شورای کارخانه مرکب از سه کارگر اخراجی و دو کارگر مبارز کارخانه تشکیل میشود.

و تشکیل شورای دائمی در میان کارگران شروع می شود.

دوما و نیم پس از تشکیل شورای موقت، در شرایطی که کارگران از روحیه مبارزه جوئی خوبی برخوردار بوده و خواستار انجام انتخابات برای تشکیل شورای دائم بودند، کارفرما با ردیگریستن از کارگران مبارز را اخراج میکند. (لازم بدست است که در این هنگام منبر عمدتا کارگران جوان با شور و علاقه در مبارزه شرکت می جستند و کارگران من هم - چنان با تردیدنا طرفضا با بودند.)

کارگران اخراجی برای رسیدگی به کارشان به مراجع قانونی مختلف مراجعه میکنند، و هر روز هنگام تعطیل شدن کارخانه نهم در آن ایستاده و در میان کارگران دست به افتاکری می زنند. آنها برای کارگران تعریف میکنند که چگونه مقامات مسئول سر خلاف ادعای فریبکارانه را از سرمایه داران حمایت می کنند و نه از کارگران و زحمتکشان. همچنین چند بار کارگران مبارز کارخانه نیکوکاران را هم تعطیل کارخانه به آگاه آورده و در آنجا گردن کارگران می کوبیدند. این اعمال در مجموع تا تاثیر مثبتی بر روی کارگران داشت و رابطه بین دولت و سرمایه داران را برای آنها روشن تر می کرد.

در یکی از همین روزها کارگران اخراجی در خلال تلاشها برای بازگشت به کار، همراه با دو نفر دیگر از کارگران مبارز سوسله با داران کمیته مرکز دستگیر شده (یکی از دو کارگر مبارز قبل از انتقال به زندان موفق به فرار میشود). و جمعا ۹ نفر به زندان و این انتقال می یابند.

از آنجا که کارگران آگاه و مومارز (که در این زمان در اارت سرب می بودند) بهنگا مقابلیت خود در کارخانه در زمینه کار آگاه ها و آموزش کارگران به اندازه لازم کوشش نکرده بودند، بدستگیری آنان، کارگران مبارز داخل دچار سرگردانی شده و نمی

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

اعتراض شورای ناشران و کتابفروشان به دستگیری همکارانشان

بنازگی شورای ناشران و کتابفروشان در رابطه با هجوم ارتجاع به کتایبفروشیها، چاپخانه‌ها و دستگیری و ضرب و جرح ناشرین، نامه‌ای به بنی صدر نوشته اند که در زیر بیستمی از آنرا ملاحظه میکنید.

ما در حالیکه بیکگونه اعمال راجحی از سیاست ویرانه‌های سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و نشانه‌زبونی و ورطه‌نگینی آن در مقابل بله‌با رندنیرو-ها و اندیشه‌های انقلابی میدانیم، حمله به چاپخانه‌ها کتایبفروشیها و دستگیری ناشران مبارزان را بشدت محکوم می‌کنیم:

"مناسقه به برخلاف انتظار که بعد از پیروزی انقلاب خونین مردم کشور ما از جمهوری اسلامی بعنوان تا مین کننده آزادی بیان، نشر و عقیده بعد از اسیان در از خفان و سرکوب میرفت، جامعه ناشرین و کتایبفروشان از ابتدا مورد هجوم دسته‌های سرکوب و حتی نهادهای مسئول قرار گرفته است. دسته‌های اخیرا لاذکر تحت نام ما و اسلام حیثیت و شئون اساسی جمهوری نوپای ایران را زیر پا گذاشته، با آتش زدن کتایبفروشیها و ناشرین بدون بساط کتایبفروشان تا مین شغلی این صفر را از ناشرین برده و سرکوب و زورگوئی راجا بگیرین بر خورده اندیشه‌ها می‌نماید. روشن است چنین سرکوبی‌ها می‌تواند تا بی‌وزن و اندیشه‌ها ستر می‌کند هیچگاه نمیتوانند استقلال فرهنگی مردم این کشور از سلطه امپریالیسم بیانجامد بلکه به سلطه آن کمک می‌نماید.

از طرف دیگر اخبار چند فقره دستگیری و بازداشت ناشرین و کتایبفروشان و حمله کتایبفروشی‌ها به ادارات انتشارات شایهنگ و میثا توسط نهادهای مسئول پیش آمده است که در اولی به ضرب و جرح و توهین و درموا و درمیانی حتی به ضبط کلیه کتایبهای فروشیها و اسباب آنها متحصن متحرک شده است. همزمان بودن این اقدامات بسیار

بقیه در صفحه ۱۴

توضیح درباره کمکهای مالی هموطنان مبارز! رفقا!

ما زمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه - جانیه‌ها توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانست بدست ما برسانید.

برای اطمینان از اینکه کمکهای شما توسط سازمان دریافت شده، عددی بکرمی، به دورقمی و به سهرقمی (حداکثر سه رقمی) به دلخواه بعنوان "کد" انتخاب کرده و همراه با حرف اول نام خود به دریافت کننده کمک مالی بدهید.

سازمان "کد" انتخابی شما را به ترتیب در ۱۰۰۰ با ۱۰۰ و با ۱۰ (عدد ۱۰۰۰ برای "کد" بکرمی ۱۰۰۰ برای دورقمی و ۱۰ برای سهرقمی) ضرب کرده و حاصل آنرا به مبلغی که پرداخت کرده اید اضافه نموده و همراه با حرف اول نام شما در تشریه "پیکار" چاپ میکند. به این ترتیب شما مطمئن می‌شوید که کمک مالی تان در اختیار سازمان قرار گرفته است.

مثلا اگر مبلغ پرداختی شما ۲۵۰۰۰ ریال و "کد" انتخابی ۵۸ و حرف اول نام شما "ت" باشد در ستون کمکهای مالی دریافت شده (۳۰۸۰۰۰) را ملاحظه خواهید کرد.

$$58 \times 100 = 5800$$

$$25000 + 5800 = 30800$$

کمکهای مالی دریافت شده

۷۸۰۰	الف	۸۰۰۰	ت	۱۳۹۰۰	ت
۳۵۰۰	ج	۶۲۰۰	ج	۱۲۹۰۰	ب
۶۴۰۰	س	۶۲۰۰	س	۱۲۰۰۰	ر
۷۲۰۰	ش	۴۱۰۰۰	ش	۱۰۲۵۰	س
۲۰۲۰	ع	۴۱۰۰	ع	۶۵۰۰	ع
۴۶۰۰	غ	۵۰۰۰	غ	۵۱۰۰۰	ع
۵۳۶۰۰	ک	۴۱۶۰	ف	۳۰۱۰	ف
۵۳۱۰	م	۳۶۰۰	م	۳۱۴۰۰	ک
۷۲۰۰	ن	۴۲۰۰	م	۲۸۰۰۰	م
۱۲۷۰۰	ه	۱۶۲۵۰	ن	۷۰۰۰	ن

کران توضیح می‌دادند که اگر کارفرما یا نماینده او با زگرد، وضع مثل سابق خواهد شد، اما چون شما می - خوا هید ما هم موافق هستیم، بدین ترتیب نا درستی دیدگاه رگران طی یک جریان در از مدت مشخص میشد و اعتماد آنها نسبت به کارگران آگاه‌ها بالا میرفت.

سرا تمام به علت برخورد های نا درست شور و نوطه‌های مراجع دولتی و عوامل کارفرما کارگران کارملا "از شور" ما بوس شده و شور و بطور خود بخودی روبه انحلال میرود.

اکنون با توجه به آنچه گذشت میتوان مهمترین نقاط ضعف مبارزه کارگران کارخانه‌ها و زربین را بصورت زیر خلاصه کرد.

۱ - کم بهادادن به کارگران هگران در میان کارگران من و قدیمی که نتیجه آن حدود ۵۰٪ از کارگران در مبارزه شرکت فعال نداشتند.

۲ - ندادن آموزش لازم به کارگران مبارز، بطوریکه با اخراج و یا دستگیری عده‌ای از کارگران آگاه بقیه کارگران دچار سرگردانی شده و نمیتوانستند چکارا بکنند.

۳ - بدست گرفتن مدیریت کارخانه که در این مرحله غیرمنطقی و ناممکن بوده و عملیات شکست منجر میشود.

خود از موضع قدرت برای نظارت و کنترل مدیریت یا نمایندگان دولت وادما کرده میشد، این مسئله بخصوص اگر شور و می توانست حقوق یکما کارگران را از طریق فروتن تولیدات ایجاد (۱) و به این ترتیب پشتیبانی آنها را جلب نماید، امکان پذیر نبود.

بهر حال این اقدام صورت گرفت و به علت بی - بولی، وعدم امکان پرداخت حقوق کارگران، ناراضی آنها از شور و بالا گرفت، بطوریکه خواستار بازگشت همان کارفرمای سابق شدند. در چنین حالت حساسی نماینده کارفرما، بهمه‌ها نماینده وزارت کار به کارخانه می‌آیند تا ادا راه آنرا بدست گیرند. در این موقع که کارگران به نماینده کارفرما همچون فرشته‌ها نگاه می‌کردند، کارگران آگاه‌ها به یک برخورد چپ روانه نسبت به نماینده کارفرما، کار - گران را بیش از پیش نسبت بخود بدین میکنند، آنها به نماینده کارفرما میگویند: تو با یکدکارت شنا - سائی داشته باشی، ما بتو اعتماد نداریم... و... در صورتیکه اینان با بیستی در آن شرایط برای کار -

(۱) - وجود صندوق اعتماد، در چنین حالتی می - توانست کار را زباید.

با فرار کارفرما ادا راه کارخانه (اعم از خرید مواد اولیه، تولید و فروش) کارملا بدست شور و می - افتد و چون مقدار زیادی مواد اولیه وجود داشت کارخانه شروع بکار می‌نماید.

عوامل مزدور کارفرما از همان ابتدای کار شور و علیه آن شروع به سمپاشی می‌کنند، و شور و با وجودیکه قدرت و اخراج این افراد را داشت، نجام آنرا موکول به بهاره اندازی کارملا کارخانه می‌نماید. این اولین اشتباه بزرگ شور و بود.

از طرف دیگر کمیته مرکز و کارفرما که در رابطه بودند، برای اخراج و سرکوب کارگران مبارزان به حمایت کارگران را از آنها طلب نمود، برای منزوی کردن شور و دست به توطئه می‌زدند. کمیته مرکزی همکاری کمیته صنفی بازار، خرید تولیدات این کارخانه را تحریم می‌نماید!

روزپرداخت حقوق نزدیک میشود، اما پولی برای پرداخت وجود ندارد، کارملاهای تولید شده نیاز را بر کرده و عمده‌فروان با پیروی از کمیته صنفی از خرید کالا خودداری می‌کنند. مواد اولیه را به تمام است. کارگران را و تحت بیگاری و از بین رفتن سابقه کار فرمای گیر و عوامال مزدور کارفرما از رفیت استفاده کرده و این نگرانی و نارضایتی از شور و را دامن می - زنند. تلاشهای شور و برای فروش کارملاهای تولید شده نتیجه چشمگیری به سر نمی‌آورد، و شور و هر روز منزوی تر می‌شود.

اکنون پیش از ادا به مطلب مسئله فرار کارفرما و بدست گرفتن مدیریت از طرف شور و را بطور مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

واقعیت اینست که در جوامع سرمایه‌داری، وظیفه مدیریت کارخانه کشف شیوه‌های برای بالا بردن هر چه بیشتر ثروت استثمار کارگران است، از اینرو در چنین شرایطی (که دولت حاکم، دولت سرمایه‌داری است) نمایندگان کارگران نباید در مدیریت کارخانه شرکت کنند و یا مدیریت آنها را بدست گیرند. آنها در این مرحله باید منظور کارکنان هر چه بیشتر درجه استثمار را بخواهان نظارت و کنترل خود بر مدیریت با شد. بنا بر این در شرایطی که کارگران با فرار کارفرما یا کارخانه‌ها رو برهنه شده، شور و نباید مدیریت را بدست گیرد، بلکه باید دولتی شدن کارخانه و کنترل و نظارت بر مدیریت آن را تبلیغ نماید. در چنین وضعیتی با توجه به اینکه نظام حاکم سرمایه‌داری است و ادا راه کارخانه توسط دولت و یا سرمایه‌داری خصوصی از نظر درجه استثمار فرقی نمی‌کند، دولتی شدن کارخانه موجب میشود که کارگران در جریان مبارزات خود به ما هیت دولت زود - تری ببرد و در کار این مسئله خود قدیمی بجلو است بقول لنین، شیوه‌های آنها و آشکارا استثمار را اگرچه از نظر عملی برای کارگران نفع و نفعی ندارد، ولی مال استثمار آنها را ترجیح می‌دهیم تا بتوانیم بهتر آنرا برای کارگران توضیح دهیم.

بر اساس آنچه گذشت، میتوان گفت که در این مرحله بدست گرفتن ادا راه کارملا کارخانه (خرید مواد اولیه، تولید و فروش...) توسط شور و منطقی - است و نه امکان پذیر.

شور و می‌بایست از همان ابتدای تشکیل شدنش با نام نوشتن به مراجع دولتی مانند وزارت کار، وزارت صنایع و معادن، دادستانی و... از آنها می - خواست که در مورد ادا راه کارخانه نماینده بفرستند و

مبارزات چایکاران لاهیجان، رودسر، لنگرود، املش و... ادامه دارد

محصول چای خود، به سازمان چای مراجعت کردند. عده‌ای از آنها در گروه‌های ۲۰ نفره با دادن شعار - هاشی از قبیل "درود بر کشاورز، مرگ بر سرما به‌دار" وارد شهر شده بطرف فرمانداری رفتند. و گروه‌هایی دیگر به محل سازمان مذکور رفته و پس از گروگانگیری معاون سازمان چای بطرف فرمانداری راه افتادند. آنها در مسیر خود مردم را به پشتیبانی از خود می - طلبیدند. دهقانان مبارزان را زوجه بسیار خوب مبارزان بر خوردا رسوند و با فریادهای رسی خود کینه خود را نسبت به سرما به‌داران نشان می دادند. آشوب مردم زحمتکش نیز برای پشتیبانی از دهقانان مبارز به آنها ملحق می شدند و شعار می دادند: "چای کشاورزان تحویل ما بگردد"، "کارگر، کشاورز، پیوندتان مبارک"، "بنی صدر، بنی صدر، کشاورزان آواره‌اند"، "کشاورزان و مردم در مقابل فرمانداری تجمع کردند، اما با اطلاع از نبودن فرماندار در محل بطرف اداره چای راه افتادند. در آنجا معاون سازمان چای پس از اعتصاب سردواندن کشاورزان، با لاشه مجبور شده ضمن تا معای به تمام کارخانه‌های چای منطقه، آنها را موظف به خرید چای نمود. دهقانان مبارز در این نظارات خود با سخنرانی‌ها ایشان سیاست دولت را که در حرف مدعی پشتیبانی از کشاورزان است ولی هیچ عملی انجام نمی دهد، افشا کردند. یکی از آنها در صحبتش گفت:

"دولت می گوید کشاورزان با بد تولید کنند، مگر ما چای را تولید نمی کنیم، پس چرا آنها تحویل نمی گیرند و موجب فساد شدن آن زیر آفتاب میگردند. آیا کسانی که اینکار را میکنند خود را انقلاب نیستند؟" آخرین خبر رسیده حاکی است که کشاورزان "املش" روز ۵۹/۲/۲۴ به کارخانه محل می روند اما صاحب کارخانه به وسیله کلت آنها را تهدید میکند. آنها سپس به سازمان چای می روند، ولی هیچکدام از مسئولین در آنجا حضور ندارند. مبارزه با کارگران شمال هم - چنان ادامه دارد ■

هجوم پاسداران به روستای یارجان میاندوآب

هواداران سازمان در میان دوآب در رابطه با هجوم پاسداران به روستای یارجان در تاریخ ۵۹/۲/۲۸ اعلامیه‌ای منتشر کرده اند که در زیر قسمتی از آنرا ملاحظه می کنید:

حدود یکسال است که خوش نشینان و دهقانان و زحمتکشان "یارجان" برای مصادره زمین‌های ده یاربان این روستا بنام "ابراهیم اسکندری" و مزدوران او مبارزه می کنند

خوش نشینان و دهقانان "یارجان" متحد شده اند تا زمینهای را که خود و اجدادشان سالین دراز بر روی آن جان کنده اند و سوز را سلطه ارباب و حکومت شاه زست داده اند، پس بگیرند. ارباب و مزدور

بقیه در صفحه ۱۴

طبق روال هر سال که دولت با اجازه کارخانه‌های چای شمال، محصول چای کارگران را روزانه تحویل گرفته و در پایان فصل چایکاری قیمت آنها را می پرداخت، امسال به علت عدم اجازه کارخانه‌ها و بسته ماندن آنها، محصول چایکاران روی دست آنها باقی ماند. در تاریخ ۵۹/۲/۲۱ "سازمان چای شمال" اعلام کرد که به علت تکمیل ظرفیت کارخانه، تا دوروز بهیچوجه حاضر به تحویل گرفتن چای نیست. در این دوروز کشاورزان از جیدن چای خود را کرده و با آسرا دریا را آزاد فروختند. صبح روز سوم ۵۹/۲/۲۳ چایکاران با زبانه‌های کارخانه‌ها مواجه شدند. با دیدن چنین وضعی، آنها تصمیم گرفتند که به سازمان چای در لاهیجان بیرونند. لذا کلیه چایکاران دهکات اطراف لاهیجان، لنگرود، رودسر، املش و... به همراه

مبارزه دهقانان "بین کند" زنجان

بد نیال قرار "مصطفی خان ذوالفقاری ارباب ده "بین کند"، دهقانان مبارز این روستا به اتفاق هم و با مصادره انقلابی زمینهای ارباب، آنها را بین خود تقسیم کردند. علاوه بر زمینها، ارباب ده حدود ۹۰۰ راس گوسفند داشت که می توان گفت آنها را عمدتاً از دسترنج دهقانان زحمتکش "بین کند" جمع کرده بود و اکنون این گوسفندان قاعده تا باید در اختیار دهقانان قرار گیرند. اما بنیاد مستضعفین این گوسفندان را برای خود برداشت. دهقانان از این اقدام بنیاد زحمتکشان شد و به تاریخ ۵۹/۲/۱۷ به زنجان آمدند. سپاه پاسداران زنجان با دیدن حرکت دسته جمعی دهقانان، نمایند ه مبارز آنها را دستگیر کرد. دهقانان با مشاهده چنین وضعی دست به راهپیمایی زد و با دادن شعارهای انقلابی خواهان آزادی نماینده خود شدند آنها پس از راهپیمایی در جلو مقر پاسداران تجمع کردند. در اثر این اقدام، سپاه پاسداران مجبور به آزادی نماینده دهقانان شد. دهقانان با دادن شعار "تأحق خود نگیریم، حتی اگر بعیریم از اینجا نیریم" خواسته‌های خود را مطرح می کردند. تا کنون از نتیجه مبارزه آنها خبری بدست ما نرسیده است ■



جنبش دهقانی



اقدامات انقلابی اهالی روستای «نحطالو»

روستای "نحطالو" در منطقه "آجرلو" از مناطق اطراف "میاندوآب" قرار دارد. بد نیال اقدام انقلابی اهالی روستای "اربط سفلی" از روستاهای همجوار "نحطالو" (که شرح جریان آن در پیکار ۳۸ آمده است) اهالی روستای "نحطالو" نیز در صدد تقسیم مایملک ارباب ده برآمدند. لازم به تذکر است که مایملک ارباب ده عبارت از ۹ هکتار زمین زیر کشت، یک آسیاب گندم یک خانه و یک بازار هفتگی است که اکثر روستائیان اطراف برای خرید و فروش به این بازار می آیند و سالانه بیش از ۴۵ هزار تومان درآمد دارد و ارباب این بازار به حاجی مهدی مرادی و مشهدی قدرت (مالک کارگاه آلومینیم سازی) اجازه داده است.

از اول اردیبهشت اهالی روستا بازار هفتگی ارباب را با همکاری هم دست گرفتند. هفته دوم اردیبهشت "مشهدی قدرت" با چند نفر از اندام سلج از میاندوآب به ده آمد تا دلالتی بازار را بگیرد اما روستائیان با مقاومت شجاعانه خود او و ژاندارمها را از این کار باز داشتند. یکروز بعد به تاریخ ۵۹/۲/۱۲ شخص نامبرده اینبار بهیسا ژاندارمهای سلج شا هیند ز به ده آمد. ژاندارمها با خشونت سه نفر از روستائیان را دستگیر کردند و یکی از آنها را به میاندوآب و نفر دیگر را به شاهیندژ بردند. بد نیال این واقعه ۳۰ نفر از دهقانان مبارز، بعد از آزاد نمودن یکی از دهقانان در میان دوآب، به سراغ دادستان به اصطلاح انقلابی میاندوآب رفتند اما دادستان بعد از دست بسر کردن دهقانان زحمتکش به مشهدی قدرت اطمینان داد که بازار هفتگی او را بخودش باز می - گرداند چون بازار شرط "قانونا" در اختیار اوست روستائیان "نحطالو" با اطلاع از این قول دادستان به شخص مذکور به این نتیجه رسیدند که بغیر از اتحاد و حرکت انقلابی خودشان امید دیگری وجود ندارد. لذا با تصمیم قبلی ابتدا به شاهیندژ رفته و بعد از آزاد کردن دو نفر دیگر از اهالی زندانی ده به "نحطالو" برگشتند و زمینهای ارباب را نیز بهی خودشان تقسیم کردند. لازم به توضیح است که دهقانان مبارز قبلاً خانه ارباب را خراب کرده و در پنجره و چوبهای سقف آنرا بین خود تقسیم کرده بودند!

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

خلق ها و مسئله ملی



پیکار خلق کرد در هفته گذشته

هما بنظر که در سماره قبل "پیکار" بیش سنیسی کردیم، جریان مبارزه قهرمانانه خلق کرد، همچون رودخانه ای خروشان به پیش می رود. وقایع هفته اخیر در کردستان، با ردیکر شدن داده سقوط سنج و تنها جم شکتیده رژیم به تنهایی موجب شکست خلق کرد شده بلکه پیوند بین مردم شهرهای مختلف کردستان را بر بستر همبستگی نوده های آگاه و حمایت نیروهای کمونیست، مستحکم تر نموده است. از طرفی نوده های زحمتکش کرد، آغوش خود را همچون ما می تسخیر - با پذیرای زکدانه اندا پیشمرگان رژیم خود را در آن جای دهند. رژیم جمهوری اسلامی برای دستیابی به پیشمرگان قهرمان در سنج از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند. اما هر حبله و توطئه او در این زمینه در اثر مقاومت دلیرانه و رزمجویانه زنان و مردان زحمتکش کرد با شکست مواجه شده است. بر روی سرکوه های از مبارزات خلق کرد در شهرهای مختلف در هفته گذشته ما را با اوضاع کونی کردستان و سیر دخلق قهرمان کرد، بیشتر آشنا می سازد.

سه شنبه ۵۹/۲/۲۳
انفجار مقر جاشا، حمله به پادگان ارومیه

امروز انقلابیون خلق کرد در کرمانشاه مقر جاشا این مرکز خباثت را منفجر کردند. در اوایل همین روز پیشمرگان حزب دمکرات با حمله به پادگان ارومیه و مرکز کسپا به پادگان آنها را تحس محاصره خود را آوردند. طی درگیری بین پیشمرگان و نیروهای سرکوبگر رژیم، نوار پادگان و نظامیان کشته شدند. در همین حال در تبریز یکی از دانشجویان انقلابی کرد رفیق کمال کیا نفر به یکا م نصب اعلامیه اخبار جنبش خلق کرد توسط پادگان ضد انقلاب به شهادت رسید و این جانب با نفرت و خشم فراوان مردم روبرو گشت.

پنج شنبه ۵۹/۲/۲۵
تظاهرات مردم مهاباد

در این روز شهر مهاباد با دنا هدتشیع جنازه پاکوده دانشجوی شهید، "کمال کیا نفر" بوده و مردم مهاباد در این تظاهرات ضمن محکوم کردن تدبیر جنایات رژیم جمهوری اسلامی، خشم خود را از جنسب هائین نوده برآز کردند. علیرغم مخالفت سازمانهای سیاسی، اقشار و زو زحمتکش مهاباد، بغا طونفرت عمیق از خیانت های حزب نوده و همدا نشی اوبار رژیم بقیه در صفحه ۷

مکالمات فرماندهان نظامی با زبردستان:

اسناد زنده کشتار در کردستان

متنی که در پیش رودا رید قسمتها ش از نوار مکالمات فرماندهان نظامی مستقر در سقز و سنندج مینا شد که توسط رفقای ما از سیم ضبط گردیده است. این نوار سندنده جنا پاتار ش جمهوری اسلامی در کردستان است (۱)، هر چند که میلیونها نفر از مردم کردستان و صدها هزار انسانی که مورد حمله توپ و تانک و خمپاره ها و سمها را نهی هوا ش فرا گرفته اند و نوا دون طر جنا پاتار و ارتش ضد خلقی بوده اند خود بهترین گواهان و خود بهترین اسناد گویا می باشند.

مکالمه فرمانده با زبردست

مروری بر متن مکالمه

تحریک و تهییج پرسنل زبردست توسط فرماندهان

سرکرد: بهمن شیراندازی نکن، هول نشو، با تیربار تیراندازی نکن. یک نفر فریاد میزند: ما را دار میزند... خودی است! سرکرد: بن، بن، بن، با تو سوست، میترسد، بچه قنداقی است جلجله بگویم: زال با این لودر دودا بگیر... الان جلوی تیمپاست، الان چنیازی هست به این. - صبر کن با ۲۰۰ خرنشلیات را درست نمیده یک دفعه ۲۰۰ مین رد می کنیدا بنور، اینکه نمیتوانند با بست جا بجا کنند.

نکاهی به متن مکالمه نشان میدهد که فرماندهان مزدور با تحقیر سربازان و درجدها را نوباً ترسو خطاب نمودن آنها سعی میکنند پرسنل زبردست خود را تحریک و تهییج کنند تا روش و آشنی جنا پاتار ارتشهای امپریالیستی را به آنها بیاموزند. رژیم جمهوری اسلامی، ارتشی سرتاپا ملج را به جنگ خلق زحمتکش گرد کشید که دست و هزاران مین و صدها اسلحه برای کشتار خلق زحمتکش کرد و زنان و کودکان را سید قاع و سکا ر گرفته شده است.

گلوه باران محلات فقیرنشین، مسجد و بیمارستان

زال از شیر: بر نیم بطرف کچل آباد. کیک از زل: بسفل رودخانه روی مسجد، جاده بیابا به عقب، کچل آباد را بکوبید و تیر بکزدید. زال: تیر کز آنجا نه! داخل شهر این کار را میکنند از دخیات این کار را می کنند.

جلجله از آهوی گویم: آه تو پ گدا شید. آهو: چرا من بهش گفتم از سیم رستان تا پشت بیمارستان را بزنم من بهش گفتم. جلجله: نه یک کار دیگر، چشم داخل رادم، یکی دیگر آه گریمتوانی تا راحت نمیشوی. دوباره ۵ تا بزوجلو، درجا می زندیش.

آهو: منظور اینست که ببین، عزیزان، نرسیده بتو، بالای سرتو، همان خانه ها شیکه به تو گفته بودند میخواستیم برویم بیرون، آن خانه ها، بکدانه سه طبقه است آن پاشین، آنرا می گویم. - بزنید همان کچل آباد دیگر آهو: نه حال آباد، اینطرف

اسم آهو (اسم رمز) دستور حمله به "حال آباد" (۲) را صادر میکند. مزدوران رژیم سرپنا خلقهای زحمتکش را در هم می کوبند، کودکان و زنان سید قاع را به رگبار مسلسل می بندند، غافل از اینکه هیچکدام از این اقدامات نمیتواند مانع از آزادانه پیکار مقاومت جویانه و خونین خلق کرد باشد. کوهها و دشتهای کردستان نغمه ستیز میخوانند، جویبارهای خونین دردها، آواز نبرد سر داده اند و خلق کرد هم آوا بخیه در صفحه ۷

اکنون دیگر جنا پاتی که ارتش جمهوری اسلامی به همراه پادگان در کردستان مرکب شده و میشود، برای بسیاری از نوده های زحمتکش و آگاه، مبین ما پوشیده نیست آنها محلات فقیرنشین همچون "کچل آباد" و "حال آباد" را در سقز به توپ و خمپاره می بندند و صدها نفر از مردم زحمتکش این شهر و شهرهای دیگر را بشهادت میرسانند. دشمنی عمیق رژیم از لایلی کلمات مزدورانش عریان است، اما "کچل آباد" ها، همچنان شاد و مبارزان با عا دلانه خلق کرد برای احقاق حق خود اوهدهیون.

آری، خانه های گلی زحمتکشان را به توب بیندیتا با بهای یوسیده نظام سرما به داری و بسته را چند صحتی دیگر قوام بخشید!

چه کسی ما خودخواه های مردم زحمتکش را به توب می بندند و فریاد او مسلمانی سر میدهند؟ رژیم با تبلیغات عوام فریبانه اعمال ضد خلقی ارتش و سپاه پادگان را به خلق قهرمان کرد و پیشمرگان رزمنده نسبت میدهد، اما نوده های این فریادهای مذبحا نه را با و رنخوا هندا شت، ایما دخیات رژیم حتی به بیمارستانها نیز کشیده شده است. خلق های مبین ما، شلیک ارتش آریا مهری به بیمارستانها را هنوز بخاطر دارند و میداند که تنها دشمنان قسم خورده خلق، میتوانند چنین گستاخانه بیما رب ستانها را در هم کوبند.

در قسمتی دیگر درمی یابیم که فرمانده مزدور به

(۱) - متن کامل این مکالمات توسط دانشجویان و دانش آموزان طرفدار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (شیراز) نگاشته شده است. (۲) - "کچل آباد" و "حال آباد" از مناطق فقیرنشین سقز هستند.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۶ پیکار...

در کسار خلق کرد، به دستور حزب مذکور حمله کرده و خواستار جمع کردن ساط آتان بودند. سردبندی نیست که مخالفان ما را با این انقلابی با این عمل مردم هرگز، نه با طرحها یا از حزب جانش نبوده بلکه عمدتاً با طرح و کوری از مدوشدن مرز بین دشمن اصلی در گردن بانی یعنی رژیم با ارکانهای سرکوش و خائنینی همچون حزب بوده است.

امروز همچنین با ساداران مستقر دروا نسر مورد حمله پیغمبران شهرمان قرار گرفتند که طی آن ۴ نفر از ساداران کشته شدند، اخبار رسیده در این روز از با نه حاجی از آن بود که با دکان با نه در محاصره پیغمبران قرار گرفته است، همچنین امروز سنج تحت کنترل ارتش و ساداران درآمده است.

نظا هرات با شکوه مردم سندانج در نقاط مختلف شهر

روزهای ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت روزهای رسیده مقاومت محاسنه آفرین بوده های سمدیه و رجبیکس خلق گرد در سندانج بود. در این روزها سندانج با خند نظا هرات با شکوه مردم، با شرکت فعالان دانش آموزان مدارس بود. در این نظا هرات که به صورت موضعی و در محلات مختلف انجام میگرفت مردم با رد کرسیا دادن شعارهای انقلابی تنفر خود را از ساداران و ارتش و جنایات رژیم بیان میکردند. آنها متغایلا همبستگی خود را با پیغمبران شهرمان ابراز میکردند مردم دلیر سندانج و بخصوص دانش آموزان انقلابی، در این نظا هرات، روحیه نیرومند و با رزه جویانه خود را به نمایش گذاشتند. به گونه ای که یکی از دانش آموزان کم سن و سال، با یونان با رنج به میان ساداران و کشته شدن دوش از آنها نشان داد که ورود ساداران و ارتش داخل شهر هیچ تزلزلتی در روحیه نیرومند خلق کرد و حتی فرزندان کم سن و

بخش در صفحه ۱۳



اود دشمنان را نخواهد بخشید!

بقیه از صفحه ۶ مکالمات...

با آنها فریاد میزند: "هرگاه ما سگری است، هر فلسمان با رنجی است، هر دشمنان میلی است، اگر همه کشته شویم، صلح علاج نمیشود".

درا ارتش جمهوری اسلامی: مجازات خودداری از شرکت در کشتار خلق، اعدام! پاداش شرکت در کشتار خلق، پول و ارتقا درجه!

خطاب به فرمانده: بعرضتان برسانم که دو نفر گروهیان بنام "سروش فر" و "با و بی" بدون اجازه من بر سرور اینجا را ترک کردند و آمدند... استدعا میکنم همین الان دستور فرمایید آنها را پسند از زندندان، فرمانده! اینها محکوم به اعدامند، از همین الان حکم اعدامشان صادر شد.

- بعرضتان برسانم فرمانده که گروهیان و طیفه دارانم الان اسیران بعرضتان میرسانم بنام "جواد جلیل پور" یکی از درجه داران با ایمان و با عادت و از اول آدمیان اینجا... خواهش میکنم به حوققتی این درجه - دارا تشویق کنید... دیگری هم بنام "منتقی" (بعده از گفتگوی کوتاه)

فرمانده: جلیل پور را فردا ۳۰۰۰ تومان پساداش برایش میفرستم.

(گفتگوی کوتاه)

فرمانده: بیش (به منتقی) ابلاغ کن گروهیان بسک بزنند.

- ایشان گروهیان یک بشوند؟

- بله، بله آنها هر دو گروهیان یک بشوند.

حمله به ماشینهای مسافری

- کیک از زل: نزدیک بدهم هستنید، هوما شینی می - آید، بزنید خیلی قشنگ میتوانید هرها شینی که آمد بزنید، پس ما اجرا نمیکنیم، شما اجرا کنید، دیگره اگر ماشین بدید شما خودتان خفه اش کنید.

در دادگاه انقلاب ویژه نظامی اصفهان

محاکمه ۱۵ نظامی

به اتهام تحریک و اغتشاش پایان یافت

۷۰۰ تن دیگر به زندانهای مختلف محکوم شدند.

- آنطرف داده، خانه را بزن - جناب سرکرد جانشی اش خراب بودا ندا ختم پاشین - کجا ندا ختمید - دهات، دهات دشمن!

شبه در صفحه ۱۳



برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

پیروزی سوسیالیسم بر فاشیسم هیتلری (۲)

حمله فاشیسم به شوروی سوسیالیستی

در ۲۲ ژوئن سال ۱۹۴۱ آلمان هیتلری بیمان
عدم تها و زرا بطوریکه گمانی نفع کرده و ارتش آلمان
با ۱۷۰ لنگر مجریه هزاران تانک و هواپیما به
شوروی سوسیالیستی حمله می نماید. هدف این حمله
در هم شکستن دسنا و ردپرو لاریای جهانی و سوسا -
لیسم یعنی شوروی سوسیالیستی بود.
این حمله نقطه عطفی در مسیر جنگ جهانی دوم
بود. اگر این مقطع جنگ در بین کشورهای امیر -
بالیستی جهت غارت جهان جریان داشت، با حمله به
شوروی سمت جنگ تغییر می باید. زیرا فاشیسم که
مشخصه درنده خویش و هارترین جناح سرما به مالی
بود با توبل به جنا یکنارانه ترین جنگها، در پی
نا بودی سوسالیسم و انقلاب و در پی اسارت و بردگی
تمام ملل جهان بود. در این نقطه، جنگ و مبارزه
خلفایا علیه تها جم فاشیسم مضمونی میبانی و ضد فاشیستی
گرفت.

این جنگ از طرف جنا یکناران و راهزنانی بود
که اگر چه خود را مزورانه "ناسیونال سوسیالیست" می-
نامیدند، ولی در واقع امپریالیست درنده خو بودند
را هزنانی چون هیتلر اگر چه خود حزب خویش را
"ملت پرست" می نامیدند ولی حتی ترین جهان -
خواران بوده و در پی انقیاد تمام خلقهای جهان و
نا بودی استقلال، دموکراسی و آزادی بودند. جنگ
فاشیستی را هزنان بین المللی و طبقه منارزانی
بین خطیری در مقابل خلقهای اتحاد جماهیر شوروی و
تمام جهان قرار داد. رفیق استالین میگفت:
"جنگ بر ضد آلمان فاشیستی را نمیتوان یک
جنگ معمولی شمرد. این جنگ تنها جنگ بین
دو ارتش نیست. این جنگ در آن واحد جنگ
کمتر تمام ملت شوروی بر ضد نیروی سوسیالیسم
فاشیستی می باشد. مقدم این جنگ میبانی تمام
ملت شوروی بر ضد منکارات فاشیست، به معنی
بر طرف کردن خطری که منوجه کشور ما گردیده
است می باشد. بلکه این جنگ مقدم باری رسا -
ندن به ملشهای اروپا را که در زیر ظلم و جور
فاشیسم آلمان ناله میکنند و در انتظارند. در
این جنگ آزادی بخش، ما بکه و تنها نخواهیم
بود. در این جنگ عظیم ما در بخش ملشهای اروپا
و آمریکا و من جمله در بخش ملت آلمان که از
طرف سر دشته های هیتلری اسیر و مظلوم گردیده
است، منفعین صادق و با وفا خواهیم داشت.
جنگ ما برای آزادی منب خود ما را زده ملل
اروپا و آمریکا در راه استقلالیت خودشان در
راه آزادیهای دموکراسی نوام خواهد شد. این
جنگ جنبه متحد ملشهای را تشکیل خواهد داد
که آنها طرفدار آزادی و بر فدا بارت و تهدید
اسارت از طرف ارتشهای فاشیستی هیتلر
هستند." (جنگ کمپری میبانی)

با گوشهای مستعمر شوروی سوسیالیستی جنبه
مبارزاتی گسترده ای در مقابل فاشیسم در سطح
جهانی و ملی بوجود آمد. در طی ژوئیه ۱۹۴۱ تا ژوئن
۱۹۴۲ "جنبه متغین" متشکل از شوروی، انگلیس و
آمریکا تشکیل گردید و نیز حزب کمونیست شوروی و در
راس آن رفیق استالین تمام خلقهای شوروی را به
قیام علیه فاشیسم فرا خواند و کلیه رشته های اقتصاد
ملی، سازمانهای حزبی، دولتی و اجتماعی هماهنگ

با جنگ عظیم میبانی سازمان با فتند. طبقه کارگر
و نوده های دلاور شوروی تحت لویای بر جم حزب کمو -
نیست و رفیق استالین متحد گردیدند تا فاشیسم را
در هم نکنند. استالین گفته بود:
"همه استالین آلمانی را که میبانی ما
تجا و رگرده اند، نا آخربین بفرما بود کنند."
(بمناسبت ۲۴ سالگشت انقلاب کمپری اکتبر -
نوامبر ۱۹۲۱)

و خلقهای شوروی مضم بودند تا کسب پیروزی کامل
به پیش روند.

استالینگراد قهرمان و سقوط فاشیسم

ارتش تها و زکا رهیلری در سال ۱۹۴۱ تا پشت
دروازه های مسکو میرسد، ولی ارتش سرخ و پارتیزان -
های توده ای به فرما ندهی سردا و جنگی بیرونا رسا

بین ارکا زرا استالینگراد هما بطوریکه می -
دانیم، آلمانی ها دیگر نتوانستند بحال
بیابند. (راجع به جنگ کمپری میبانی)
روند سقوط فاشیسم تا سال ۱۹۴۴ منجر به تار و مار
ندن نیروهای فاشیستی از خاک شوروی سوسیالیستی
گردید و سپس ارتش سرخ شوروی به باری خلقهای رت
اسارت فاشیسم شنا فته و در آدا ختن ملل دیگر
نقش بسیار مهمی ایفا می نماید. ارتش سرخ بشارت -
دهنده آزادی تا در هم نکنند دژ فاشیسم به پیش رفت و
با لخره ارتش هیتلری زیر ضربات سهمگین ارتش سرخ
و پارتیزانهای مسلح دیگر خلقها، در ۸ ماهه ۱۹۴۵
بلا فید و شرط تسلیم شد. آری جنگ ضد فاشیستی با شکوه
تمام پیروز شد و خلقها فاش شدند!

پیروزی بر فاشیسم، دستاورد سوسیالیسم

جنگ کمپری ضد فاشیستی رویدا و عظیمی در تاریخ
بشریت بود. در حقیقت پس از انقلاب اکتبر، پیروزی
جنگ ضد فاشیستی نقطه عطف تحول عظیم دیگری در
تاریخ سوخود آورد. اگر انقلاب کمپریا اکتبر اولیسن

سربازان شوروی سوسیالیستی بر جم پیروزی بر فاشیسم را برپا لای پارلمان آلمان هیتلری در برلین می افزایند.



کاف را در حبه امپریالیسم بین المللی سوخود
آورد. پیروزی ضد فاشیستی بخش مهمی از این جنبه
را معدوم ساخت. در جریان جنگ دوم جهانی و بعد از
آن، در کنار شوروی سوسیالیستی، جمهوری توده ای
آلمانی به پیروزی رسیده بود و در تمام کشورهای
اروپای شرقی دموکراسی توده ای برقرار گردیده
بود. علاوه بر این توفان عظیم منارزات را بانی بخش
در یک سلسله کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای
لاتین بلند شده بود.

چرا فاشیسم شکست خورد؟ در واقع باید گفت
پیروزی بر فاشیسم، پیروزی سوسیالیسم بود. شکست
فاشیسم نشانه نگرانی، بویایی و قدرت تاریخی
یک نظام اجتماعی نوین یعنی سوسیالیسم بود. در
محله جنگ ضد فاشیستی جدال اصلی، میان اتحاد

استالین، فاشیسم برای اولن و شکست بخشی
می دهند. در اواسط ژوئیه ۱۹۴۲ آلمان به استالینگراد
حمله و میباید. بفرمان استالین در ۱۹ نوامبر ۱۹۴۲
نیروهای سرخ شوروی به نیروهای سیاه فاشیسم بوش
می برند و طی جنگی عظیم و پر شکوه دشمن را شکست
مهلکی میدهند. پیروزی ارتش سرخ در استالینگراد
برجسته ترین پیروزی در جنگهای بزرگ بود. این
پیروزی تاریخی نشانه نگرش استراتژی و تاکتیک
جنگی استالین و نشانه مقاومت جاننا و افتخار -
آفرین توده های شوروی در راه دموکراسی و سوسا -
لیسم بود. شکست ارتش هیتلری در این نقطه سر آغاز
سقوط فاشیسم و طلیعه هارثی بشریت ارطامون
فاشیسم هیتلری بود و سقوط رفیق استالین:

"استالینگراد قول ارتش فاشیست آلمان بود.

بقیه در صفحه ۱۴

جرا سازمان مجاهدین مقاومت و فیراقلایی خلق کرد رانی میکند؟

هما نظور که در قیل کفتم راناکه تحلیـل سازمان مجاهدین از قدرت سیاسی رانستروانه و لیبرالی میباشند از آنکاه این سازمان چشمبوی "بالائی ها" دوجناب و در بحبوحه مبارزه طبقاتی جاری میان انقلاب و ضدانقلاب در برابر دولـت بورژوازی شدیداً از خود بر لزل نشان میدهد، بنابراین این سازمان نمیوانست در برخورد به جنبش کردستان دارای موضعی کاملاً لیبرالی و حرکتی انقلابی و تمکینی بنام خود در حالیکه در برابر سروروزای کرش میکند به خوا رکردن جنبش خلق کرد سپردارد. ما قیل از آنکه موضع فعلی مجاهدین در رابطه با حک جاری در کردستان را مورد سر خورد قرار دهیم، به مواضع گذشته این سازمان در باره کردستان بکاهی می اندازیم مجاهدین می گویند:

"مطلق کردن نماداً سیستم حاکم مری حب روانه و نامعقول بوده و فیراقلایی سیاسی حراتحه نیروهای نوع فرمان سارمی آوردند و اذیت و اضافه می کند:

"نحوه برخورد ما مثالی ارفیل کردستان پیوسته برای ما یکی از معیارهای امانت و مشروعیت انقلابی و مردمی هر سیستم حاکم نظام مگر و حزب سیاسی نبوده است."

(هنداری بیرا مون چپ روی و چپ سمائی)

اولین نکته ای که باید بدان توجه نمود این است که رهبری سازمان مجاهدین بر اساس ملاحظات فرصت طلبانه خود این مسئله که حکماتی جنگ کردن ستان را تحمیل کردند میگوید می گذارد و لیبرال منشا نه به محکوم کردن "فیراقلایی" می بردارد. ما می پرسیم برای ما این ارزش فعلی با فرماندهان مزدوری ما سیدفره سی هان نبودند که کردستان را با فاشیسم و آمریکا بی خون کشیدند؟ آیا عوامل رژیم جمهوری اسلامی مانند جمهران و طهریزادهای مزدور نبودند که فتوا را علیه دهقانان و انقلابیون کردستان مسلح نمودند؟ آیا ارتش جمهوری اسلامی تحت فرماندهی جمرایهای آمریکائی و سیا هاداران نبودند که تنها جرم دوم را به کردستان شروع کردند؟ آیا این پاداران سرما به نبودند که مردم را به خشونت و غیرمسلح راد "فانرا" و "قلانان" بنام عدالت اسلامی قتل عام کردند؟ سازمان مجاهدین با بدیا مرات جواب دهنده که چه کسانی جنگ کردستان را شروع و تحمیل نمودند؟ مردم کرد و انقلابیون کردستان با عوامل مستقیم امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی؟ مکرآیت الله خمینی نبود که با اعلام جهاد علیه خلق کرد توده های نا آگاه را تحریک نمود و دستور بفرش ارتش به کردستان را صادر کرد؟ مگر در دوره اخیر سنی صدرمزدور نبود که برای برقراری "امنیت" سروروزای و حاکمیت دولت ارتجاعی حاکم دستور حمله گسترده به ارتش و سپاه هاداران داد؟

سازمان مجاهدین لیبرال منشا نه به مخالفت و نفی اعمال قهر در کردستان می بردارد. ولی نمی گوید که چه کسانی این همه جنایات را علیه انقلاب ایران آغاز کردند و چه کسانی خونت و فیراقلایی خود را متوجه و حتمتشان کردند نمودند. خلق کرد حق دارد

سازمان مجاهدین و جنبش کردستان (۲)

که در مقابل فیراقلایی هیئت حاکمه به اعمال فیراقلایی سپردارد. خلق کرد حق دارد که در برابر بحار و احزاب رژیم جمهوری اسلامی مقاومت مسلحانه بکند. کسانی که این حق را نادیده گرفته و با مردود میدادند آت به آت با عدایانقلاب می ریزند. کسانیکه با اعمال این فیراقلایی مخالف میکنند عمیق فیراقلایی خود را به نمایش میگذارند. چرا سازمان مجاهدین این حقایق را از چشم توده ها پنهان میکند و در مورد کردستان بطور عربی غش انقلاب را افسانه می کند و به حمایت فعال از جنبش کردستان بلند می شود؟ سازمان مجاهدین با مرات تمام با بدیه این شوالالات در سطح جنبش جواب دهد.

رهبری سازمان مجاهدین در حاشیه داری خود از رژیم کنونی و در در فیراقلایی دلاوران کردستان، مبارزه مسلحانه خلق کرد را هم طراز ترورهای فرغان قلمداد میکند و نتایج مبارزه بر سر کوه خلق ستم دیده را با نتایج ترورهای فرغان یکسان ارزیابی میکند!

آنچه باید گفت این است که خلق ستم دیده کرد و بیفرانلان آن به سبب ستمگرایی رژیم جمهوری اسلامی و کشتارهای مکرری که این رژیم در آن خطه برپا نمود، دست به سلحه برده و به اعمال فیراقلایی روی آورد. خلق کرد میداند که خود مختاری کرد ستان را با بدیا وور سبت آورد. ارتجاع جنگ را به خلق کرد تحمیل کرد و خلق کرد بدستی مسلحانه جواب داد. خلق کرد بخواس "معموماً رقرانسی" حبابات رژیم حاکم خود، اواسافا منی استوار در دفاع از جنبش و سرافت خود، در دفاع از حقوق حقه خود و کسب خود مختاری بلند و دوجبه بر سر خاست و او کردستان را به قلب کرم تپنده انقلاب ایران تبدیل نمود. این واقعیتی است که امروزه مبارزه مسلحانه کردستان، صدای بر خروش یک خلق مصمم در راه مبارزه علیه ستمداری ها و ستمگرایی و کشتارهای هیئت حاکمه و امپریالیسم است. این صدای تمام خلقهای ایران است و جقدر با بدیا و امپریالی و در فکر کسب امتیاز از سروروزای غری بوده که این همه نکوه و این همه حقا نیت را نگیرد. و جقدر با بدی در کسب مفتش و ضد علمی دانست که این تیرد بر سر کوه توده ها را هم طراز ترورهای فرغان قلمداد نمود!

بعلاوه آیا آنطور که مجاهدین میخوانند و نمود کنند نتایج مبارزه مسلحانه خلق کرد با نتایج ترورهای فرغان یکسان است؟ در پاسخ باید گفت اگر ترورهای فرغان راه منبروهای سیاسی انقلابی محکوم نمودند، مبارزه مسلحانه جاری در کردستان را همه نیروهای کمونیست و انقلابی و نیز همه توده های آگاه ایران مورد حمایت و پشتیبانی خود قرار دادند. حتی نیروهای متزلزل نیز نتوانستند این مبارزه انقلابی را محکوم نمایند. هر چند از این جنبش حمایت فعال سیر نمودند. فقط هیئت حاکمه و نیروهای ارتجاعی مانند حزب توده و رشکسته و...

بودند که این مبارزه دلاورانه را مورد بفرش قرار دادند. تخطئه و محکوم کردن در روشن است که این امر ناشی از امانت و ارتجاعی آن است. اگر ترورهای فرغان به انفرادی حاکم مید، تیرد مسلحانه خلق کرد منحربه گسترش روز افزون حمایت توده های آگاه گردید. برخلاف کوششی که رهبری مجاهدین می نماید تا جنبش خلق کرد را حواساً با بدیافت دستاوردهای این جنبش بسیار بزرگ بوده است. دستاورد جنبش خلق کرد محدود به دفاع و پشتیبانی نیروهای مترقی و توده های آگاه نیست. این جنبش، جنبش خلقهای ایران را در زمینه های مختلف غنا بخشید، یکبار دیگر در سببها مت و ایستادگی آموخت. جهاد ارتجاع را بیش از پیش بر ملاخت. در فرور بخش نهم توده ها نقش مهمی بازی نمود. ضربات سختی به امپریالیسم و ارتجاع وارد ساخت و امروزه طایفه دار انقلاب ایران است. رهبری مجاهدین این دستاورد ها را نمی بیند. امپریال منشا نه فیراقلایی که جنگ خلق کرد "نامعقول" و "حب روانه" است و تحت این عنوان که نباید بدیا در ا سیستم حاکم "مطلق" کرد و در پی توجیه کوششهای معانات جواب نه خود با سروروزای است.

بالاخره سازمان مجاهدین مطرح میکند که "نحوه برخورد" به مسئله ای چون مسئله کردستان یکی از معیارهای امانت و مشروعیت هر سیستم و احزاب سیاسی است. سازمان مجاهدین منحن نمیکند که منظور از "نحوه برخورد" چیست و این مقوله دارای چه مضمونی است. ولی اگر منظور این سازمان از این مقوله حمایت با عدم حمایت از مردم کردستان و حل با عدم حل مسئله خود مختاری کردستان باشد، در این حالت ما از رهبری سازمان مجاهدین شوال میکنیم بین اریکال و سبب احاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و نوع برخورد هیئت حاکمه به جنبش کردستان و خود با عدم وجود امانت و مشروعیت سیستم حاکم منحصر شده است؟ آیا یکسال و سیم پس از حبابات این رژیم در کردستان، با بامال کردن حق خود مختاری، اعمال ستم و کوا نه بر خلق کرد و استعمار و ستم و رده بر زحماتشان کرد. کافی نیست تا ما هیت رژیم حاکم روشن شده باشد؟ آیا خلق دلاور کرد با مبارزات انقلابی خود ثابت نگردند است که رژیم حاکم فدهر کونه امانت و مشروعیت انقلابی و مردمی است؟ آیا مجاهدین ستمداند که و ا قیت مبارزه طبقاتی علیه سیستم حاکم بر امانت و مشروعیت آن خط بطلان کشیده است؟ رهبری سازمان مجاهدین واقعیتی جاری را می بیند ولی نمی خواهد نفی انقلابی سیستم حاکم را از درون واقعیت زنده مبارزه طبقاتی و ملی استخراج نماید. او نمی خواهد بر ا خود را رای می ای معانات جواب نه و ا پورتونیستی میباشند.

بعلاوه اگر رهبری سازمان مجاهدین نوع برخورد به کردستان را یکی از معیارهای امانت و مشروعیت، انقلابی احزاب سیاسی بحساب می آورد چرا خود دارای برخوردی فعال و انقلابی نمیشاند؟ آیا ما حق نداریم بگوئیم که عدم حمایت فعال از سازمان مجاهدین از جنبش کردستان نه نشانه یک خط منی انقلابی و پیکر، بلکه نشانه یک سیاست و مشی ای رانستروانه میباشند؟ و آیا اگر جناحهای مشی رانستروانه عمیق پیدا کنند، امانت انقلابی این سازمان زیر علامت شوال نخواهد رفت؟

(ادامه دارد)

رژیم جمهوری اسلامی و جنبش دهقانی

● دولت موقت و شورای انقلاب کوشیدند تا با طرح "واگذاری اراضی موات و بایر" ذهن دهقانان را از اراضی دایر و حاصلخیز زمینداران و سرمایه داران ارضی متوجه بایاها سازد. بدین منظور وزارت کشاورزی که ریاست آن با یزدی زمیندار بزرگ فارس بود، شروع به ایجاد کمیسیونهای پنج نفری در سطح استانها نمود.

● آوج گیری جنبش دهقانی و فشاری که از یائین به دستگاه خاکه وارد میشد باعث شکاف در هیئت خاکه بر سر مسئله ارضی گردید. دولت که طی یک دوره تنهابه سیاست سرکوب متوسل شده بود، مجبور به تعدیل سیاست ارتجاعی خود و درپیش گرفتن یک سیاست رفرمیستی گردید. طبیعی است که سرکوب خود جز جدائی ناپذیر بر سر سیاست رفرمیستی است.

● رضا اصفهانی در حالیکه مالکیت فئودالی را حرام میدانند در عین حال احکام اسلامی مزارعه و مساقات را که از بقایای نظام ظالمانه فئودالی است قبول دارد: او در مصاحبه خود میگوید: "... آیا (او منظور مالک زمین است) میتواند زمین خود را تحت شرایطی به دیگران واگذار نماید که آنها از آن بهره برداری کنند و در برابر این واگذاری چند درصدی با محصول آن شریک شود؟ جواب اینست که از نظر اسلام تحت شرایطی چنین کاری میتواند مجاز باشد..."

قانون اسلام چیست؟

رضا اصفهانی در حالیکه مالکیت فئودالی را حرام میداند در عین حال احکام اسلامی مزارعه و مساقات را که از بقایای نظام ظالمانه فئودالی است قبول دارد. او در مصاحبه خود میگوید: "... آیا (او منظور مالک زمین است) میتواند زمین خود را تحت شرایطی به دیگران واگذار نماید که آنها از آن بهره برداری کنند و در برابر این واگذاری چند درصدی با محصول آن شریک شود؟ جواب اینست که از نظر اسلام تحت شرایطی چنین کاری میتواند مجاز باشد..."

ملاحظه می کنید چگونه این مبشران اطلاعات ارد اسلامی حتی مزارعه و اشکال عقب مانده و فئودال استعمار زحمتکشان روستا را نیز ما را اعلام میکنند. این چیزی نیست جز شکل دیگری از همان مناسبات ارباب - رعیتی (مناسبات فئودالی) که مالک زده با اعتبار تملک زمین بخش مهمی از محصول کار روزگار تولیدکنندگان زحمتکش را منصرف می نمود و آنها را استثمار میکند. (اطلاعات ۵۹/۱/۱۷)

بالاخره بعد از مدتی در ۵۹/۱۲/۱۱ دولت اعلام کرد که طرح اصفهانی پذیرفته شده و اطلاعات ارتجاعی انجام خواهد گرفت.

طرح تصویب شده و واگذاری زمین های بایر زمینداران و نیز قسمتهای ازمینهای دایری از آنها خریداری میشود، به دهقانان و کسانیکه امر کار و روزی به سرمایه داری می پردازند، معلق می نماید.

این طرح ترکیبی بود از "لایحه زمینداری" دو - بازرگان و طرح رضا اصفهانی که تغییراتی بنفع زمینداران در آن صورت گرفته بود.

یعنی بعد از اعلام کرد: "در طرحی که در شورای انقلاب به تصویب رسیده است تمام معیارهای فقه اسلامی در نظر گرفته شده و طرح آقای رضا اصفهانی با

جز جدائی ناپذیر بر سر سیاست رفرمیستی است. در همان حال که با راهی از عمارت دولتی (پس از کنار رفتن بازرگان) از اصلاحات ارضی سخن می گویند. "شورای انقلاب" (۱۳ روز پس از اولین مصاحبه رضا اصفهانی) قانون "اعطاء مبرای تجاوز و مصلحانه به اموال و اراضی دیگران" را تصویب میکنند و ارتش و سپاه پاسداران رژیم در کنار زمینداران بزرگ کسب به سرکوب و خنثی نمودن دهقانان ترکمن محارفات میزند. تحت شرایط ارتجاعی و فئودال جنبش دهقانی طرح جدیدی توسط رضا اصفهانی پیشنهاد شد. این طرح عملاً همراه با مناسبات سرکوب اقدام انقلابی دهقانان برای مصادره اراضی، با پیشنهاد دیرخسی محدودیت برای مالکیت های بزرگ میخواست. مسئله ارضی را بنظر دفاع از بورژوازی حاکم و حفظ منافع سرمایه داران و زمین داران با دادن امتیازاتی به اقطاع و مرفعه دهقانی حل کرده و جنبش توده ای را فروزانند.

رضا اصفهانی از "مصادره زمینهای ملاکین" و "حمایت از دهقانان بی زمین و کم زمین" سخن بهمان آورد. ولی بلافاصله به دهقانان هشدار داد که خود - سرانه اقدام نکنند. طرح رضا اصفهانی به مصادق زمینداران و بورژوازی ارتجاعی که با سرکوب منافع آنها بود خوش نیامد.

زمینداران بزرگ فارس تحت عنوان "شورای کشاورزی" قطعنامه ای صادر کردند و به دولت شکایت برخاستند و از طریق روحانیون و اسنیه خود به فعالیت پرداختند. روز دوشنبه ۱۹ آذر ماه ۵۸ نامه ای از طرف "شورای کشاورزی تهران" در مخالفت با طرح رضا اصفهانی، خطاب به آیت الله خمینی انتشار یافت (اطلاعات ۵۸/۹/۱۹) این فشارها خرد بورژوازی رفرمیست را وادار به عقب نشینی ساخت. رضا اصفهانی دیگر از مصادره اراضی مالکین زمینداران بلکه از مصادره زمینهای با مشروع سخن بهمان می - آورد و می گوید: "اراضی کشاورزی که به غلط و از راه نامشروع بدست بعضی افراد افتاده است مصادره خواهد شد." (اطلاعات ۵۸/۱۰/۲۰) و این بار بجای "اصلاحات ارضی واقعی" از "اصلاحات ارضی اسلامی" سخن می گوید: "اصلاحات ارضی اسلامی بر مبنای سعالم اسلام و قانون قرآن بنا شده است."

هنوز دو ماه از روی کار آمدن "دولت موقت جمهوری اسلامی" نگذشته بود که این دولت با تصویب "لایحه قانونی جلوگیری از هرج و مرج و مناسبات و تصرف عدوانی و مزاحمت و مناسبات از حق نسبت به ملاک و اراضی مزروعی و شهری و باغات و قلمستانها و مناسبات آب و موسسات کشاورزی و مناسبات دامداری و واحدهای کشت و صنعت واقع در محدوده و خارج از محدوده شهرها و روستاها" وظیفه خود را که خدمت به زمینداران و سرمایه داران بود رسماً اعلام داشت. آری، از بدینکاه دولت بورژوازی بازرگان خواست انقلابی دهقانان و زحمتکشان روستا برای مصادره اراضی زمینداران و سرمایه داران ارضی، تجاوز و غصب و تصرف عدوانی محسوب می شود! این زمینها حق زمینداران!

خرد بورژوازی رفرمیستی و روحانیت نماینده آن نیز با به ما هیئت طبقاتی خود که در دفاع از مالکیت خصوصی مقدس با بورژوازی همدستان است، سیاست سازش و حمایت از زمینداران را در پیش گرفت. با همین سیاست ارتجاعی است که دستگاههای سرکوب رژیم، ارتش، پاسداران، سپاه پاسداران و کمیته ها در گوشه و کنار روستاها، دهقانان و زحمتکشان روستا برای رها کردن ازیوغ مالکین و سرمایه داران ارضی بیا خواستند و زمینهای را که عمری با عرق جبین آب داده بودند از چنگال مالکین بدر آوردند، برای سرکوب آنها وادار عمل شده و کاه سروری دهقانان و زحمتکشان روستا آتش کشیدند.

ولی جنبش توده های زحمتکش روستا آتش نبود که با تف های حقیر عداوت انقلاب خاموش کرد. دولت موقت و شورای انقلاب کوشیدند تا با طرح "واگذاری اراضی موات و بایر" ذهن دهقانان را از اراضی دایر و حاصلخیز زمینداران و سرمایه داران ارضی متوجه بایاها سازد. بدین منظور وزارت کشاورزی که ریاست آن با یزدی زمیندار بزرگ فارس بود، شروع به ایجاد کمیسیونهای پنج نفری در سطح استانها نمود. مصلحت مدد دهقانی این "شوراهای کشاورزی" و کمیسیونهای پنج نفره "بقدری آشکار و روشن بود که مدتی بعد یکی از کارگران همین رژیم یعنی رضا اصفهانی در باره آن گفت "کمیسیونهای ۵ نفری که در بیشتر نقاط ایران مشغول بکار هستند و حاصل کار روز بکار و روزی دولت موقت است به علت عدم حمایت از خواست دهقانان و جهت گیری بنفع فئودالها - مورد انتقاد بسیار قرار گرفته اند و نتیجه کارشان نیز به ضرر دهقانان بوده است" (اطلاعات ۵۸/۱۲/۱۴)

ولی جنبش دهقانی با این تشیلات دولتیست فروکش نمیگردد، اعتماداً آگاهانه دهقانان نسبت به رژیم هر روز بیشتر از پیش طلب می شود و آنها به مبارزه انقلابی و مستقیم ملاک زمینداران دست میزنند. این جنبش بویژه در مناطقی که با جنبش ملی خلقها پیوند یافته بود، هر روز اعتلا بیشتری میافتد و دهقانان به تشکیل شوراهای و اتحادیه های دهقانی پرداختند. اما به بحران انقلابی جامعه مصادرات شده و توسعه و تعمیق آن موجب شکاف بیش از پیش در هیئت حاکمه و مناسباتهای متناقض آنها در مقابل با جنبش توده های زحمتکش وادامه یافت. دهقانان را به طبع مسئله ارضی نیز و جگر جنبش دهقانی و فشاری که از یائین بدستگاه ها که مصادره می شد با عنت نکا در هیئت حاکمه بر سر مسئله ارضی کردید. دولت که طی یک دوره تنهابه سیاست سرکوب متوسل شده بود مجبور به تعدیل سیاست ارتجاعی خود در پیش گرفتن یک سیاست رفرمیستی گردید. طبیعی است که سرکوب

در میتینگ روز دوشنبه ۵۹/۲/۲۹، از شهیدای دانشگاه و کردستان تجلیل شد

سخن گفت. وی گفت که افتخار می‌کیم "دوفرنزد کمونیست من در راه خلق شهید شدند". هر چند صحبتش کوتاه بود ولی کلام کوپنده اش شورایی به مراسم بخشید، بطوریکه جمعیت بنیادین و دانشجویان "دوفرنزد" بنوعی در قهرمانان متابعینش گردیدند. یکی از رفقای سرگزار کشته‌شده فریاد برآورد: "ما در راه، ما در هر که در هر کوه و کنا رمی‌ها و جفا در راه‌های خلق می‌رویم فرزندان ما!"

بعد از خواندن قطعه شعری در تجلیل از مزارات خلق کرد، قسمتی از انوار تکثیر شده توسط دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان بیکار بخشیدند. این تواربخانی از کمالات سران ارتش در کردستان بود. در آن قسمت می‌شنیدیم چگونه فرما شده بود: "مردود دستور مرکز (سازمان) مناطق پرجمعیت شدند را ما در می‌کنیم، سپس رفیق سرگزار کشته‌شده در تجلیل از رفیق شهید مودون گفت که رفیق در موعظ تیرباران اجازت داد دشمنان را پس از کشته شدن خود فرما آتش‌ها در کرد. آری، این چنین است روحیه رزمنده یک رفیق کمونیست هنگام مرگ. نا مرفیق نیز به خانواده‌ای خوانده شد. نا مای که نشان از روحیه عالی رفیق در دوران اسارت می‌کرد و در جیب پیراهنش در حالیکه به خون آغشته بود بدست خانواده اش رسید. مگس‌های مزاحم و جفاکاران حزب اللّهی همچون گذشته از غامز میتینگ کلویشان را پاره می‌کردند و فم‌خراکی‌ها را داشتند. ولی با وجود میانه‌پاشی راديو، دروغ‌پرازی از جمهوری اسلامی و اطلاعیه وزارت کشور تعداد جفاکاران کم‌تر از همیشه بود، آنها بعد از مدتی که فرهنگ جمهوری اسلامی را بنمایش گذاشتند شروع به تعرض و سرکوب کردند. جمعیت حاضر بعد از مدتی مدارا، ساکتان دست بیک حمله زده و آنها را فراری دادند.

ضمناً یادآوری کنیم که در تبلیغات علیه این میتینگ، نودهای های مزدور، نقش فعالی داشتند. آنها اطلاعیه وزارت کشور را بزرگ کرده و در جها راه‌ها پستاده بودند. البته این معامله متقابل بود چرا که لجن‌نا م جمهوری اسلامی نیز اطلاعیه این نوکسر کوچولوها - دانشجویان "دمکرات" را در مورد جلوگیری از این میتینگ ۱۱ چاپ کرد.



رورد و سه ۵۹/۲/۲۹، بنا به دعوت دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر و هواداران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر عده کثیری از مردم در جلوی دانشگاه حقوق به منظور سرگردانی دانشگاه و کردستان اجتماع کردند. در محوطه پلاکاردها و شایط طرحی از شهیدای هوادار کردستان (رفقای شهید شیخی، زرتی، مودون و معتمدی و رفیق عباسی) و مضامین مختلفی چون "کشتار، سزاران، ما مرده، قتلای خلق کردستان - دهده ما هیت رژیم است، تحم می‌خورد.

مردم با دشنیدن در خون تنیده خلق و شهیدای اخیر حوادث دانشگاه و کردستان بنیادین و ستاره‌های کوه کرده یک دقیقه سکوت کردند. سپس سرود بینرکس خوانده شد و پس از آن دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان بیکار و هواداران سازمان رزمندگان در فضای جنبات رزم و تجلیل از قهرمانانهای رفقای شهید در دانشگاه و کردستان فراوان شد. سپس جمعیت با شعارها و نوطه‌های ارتجاع و آمریکا را محکوم ساختند: "سرکوب در کردستان، کشتار دانشگاه، نوطه ارتجاع، نوطه آمریکا"، "کردستان، دانشگاه، پیوندان مبارک"، "ما زش، نه تسلیم، سربدار آمریکا". پس از فراوانت سازمان رزمندگان نوبت به سخنرانی مادی قهرمان رسید. مادی که دوفرنزد کمونیست و دلاور خود را در راه خلق از دست داده است. محمدباقر عباسی را در دوره رژیم صفورانی‌ها و محمدباقر عباسی را در رژیم جمهوری اسلامی، مادر با دشنی گرفته، اما روحیه‌ای عالی در مورد دوفرنزدانش

نزد دهقانان و وزحمندگان روستا رسوا نموده و در عمل به آنها می‌آموزد که نمی‌توان و بنا به فربید دولت بورژوازی و وعده وعیدهای دروغین خرده بورژوازی را که با آن خدمت می‌کند، خورد، نوطه‌های زحمتش روستا در مدت یکسال و چند ماه گذشته به تجربه دریافته است - آنکه دولت جدید و شورای انقلاب همیشه مداخله زمینداران و سرمایه‌داران بوده اند و این دهقانان بوده اند که به آنها، مختلف باشند و سرکوب و وعده‌های دروغین از حق انقلابی خود در مایه‌های مایه محروم باز داشته شده اند.

زحمندگان روستا هر چه بیشتر به حقانیت این امر پی خواهند برد که تنها اتحاد کارگران و دهقانان تحت رهبری کمونیستها این مداخلان راستین و بیگیرا انقلاب و مداخله زحمندگان می‌توانند به خواست خود دست یابند. تنها با اتحاد به نیروی عظیم نوطه‌های زحمتش و بیکار و مستقیم - انقلابی زحمندگان روستا در مایه‌های مایه زمین - داران بزرگ و فئودالها است که می‌توانند دهقانان

تغییراتی و با در نظر گرفتن جمعیتی نظرات فقها به تصویب رسیده است. (اطلاعات ۵۹/۱/۷)

بلافاصله مخالفت و استنکار و سخنگویان ارتجاعی زمینداران آغاز شد. در ۵۹/۱۲/۱۶ آیت الله سید مادی روحانی گفت که تصویب اصلاحات ارضی بوسیله شورای انقلاب جرم است و هرگونه مداخله با سنی از راه شرعی انجام نپذیرد.

آیت الله قمی نیز مخالفت با این طرح خود را نزد آیت الله خمینی رساند و از سازمانی - مملکتی که عمدتاً منظور همین طرح بودند - استنکار کرد. بعد از این مخالفتها، بنیادین سرورزی آیت الله خمینی نیز که در آن دهقانان و وزحمندگان روستا با طرح مداخله زمینداران مورد تهدید قرار گرفته بودند، همداری نبوده آنها که با ارتکاب خود در ارتزکند.

نکته‌ای لایحه اصلاحات ارضی که در تاریخ ۵۹/۲/۲۷ اعلام کردید تا تغییراتی که در آن داده شده است را بنیادین با مداخله زمینداران و سرمایه - داران ارضی تطبیق داده اند. بنیادین لایحه مجریان طرح در محل یعنی "هیت‌های ۵ نفری" از مقامات دولتی خواهند بود. استاذ زمینهای دولتی وزمینهای با بیرومات به دهقانان و کسانیکه بخواهند در مراکز و رزی سرمایه‌گذاری کنند داده خواهند شد. فقط در صورتیکه لازمند از زمینهای دایرو آب‌های زمینداران واکذا نخواهد شد. زمینداران می‌توانند چندین بار سردهقانان زمین در اختیار داشته باشند و مداخله را با مداخله آن در صورتیکه لازم تشخیص داده‌اند. مداخله نبوده بلکه از آن خریداری خواهد شد.

همانطور که قبلاً گفتیم بنا به اعلام شده دولت انجام مداخله ارضی در جارجوب مداخله سرمایه‌داران است و حتی اشکال عقب افتاده و نیمه فئودالی استثمار زحمندگان روستا نیز مداخله رسیده است. این رفیق توسط دستکار بوروکراتیک (اداری) دولتی که طبقه در جارجوب مداخله ماحان زور زور عمل می‌کند، پیاده خواهد شد.

سرکوب دهقانان و وزحمندگان روستا جزو حادثاتی نا پذیر این سیاست است. طبیعی است که جنبش سیاسی هرگز نمی‌تواند نفوذ و فلاکت اکثریت نوده - های دهقان را از بین ببرد و به خواست نوده‌های زحمکش روستا پاسخ دهد. بویژه اینکه حتی تعدیل در مالکیت زمین در طایفه که بر سلطه سرمایه‌ستوار است نخواهد توانست فقر نوده‌های عظیم روستا را علاج نماید.

دهقانان تنها در اتحاد با طبقه کارگر و بورژوازی جمهوری دمکراتیک خلق در امر مبارزه با استثمار بوروکراتیک (اداری)، بقایای بهره‌کشی فئودالی - سلطه سرمایه و وره‌های از فقر و تنگدستی خواهند یافت. نه بورژوازی و نه خرده بورژوازی هرگز نمی‌خواهند و نه می‌توانند مسئله ارضی را کاملاً و بسود نوده‌های زحمکش روستا حل نمایند.

اختلافات درونی هیت حاکم بر مسئله زمین عقب نشینیهای جناحها و عناصر طرفدار اصلاحات ارضی سازش این عناصر با بقایای مداخله فئودالی و زمینداران، مداخله بوروکراتیک (اداری) و سرکوب گرانده این اصلاحات و به علاوه تغییراتی بی درستی در همان لایحه اصلاحات ارضی و تطبیق هر چه بیشتر آن، با مداخله زمینداران و سرمایه‌داران بزرگ، همه و همه دولت و کلیه جناحها و عناصر آنرا بیش از پیش در

زحمکش را از یوغ ستم‌زمین‌داران و از استثمار و ستم سرمایه‌داران و از یوغ دستکار روستا و بوروکراتیک دولتی رها می‌بخشد.

دهقانان و مادیساری نقاط با تجربه مستقیم خود با همکاری و اتحاد دمل دست به مداخله ارضی زمینداران و مالکین بزرگ زنده و با اتحادی - های دهقانی و اتحادیه‌های دهقانی مشترک به امر کاشت و داشت و برداشت پرداختند. در این مورد شوراهای ترکمن محرومان اتحادیه‌های دهقانی - کردستان نمونه‌های برجسته‌ای هستند. این تجربه‌ها می‌آموزد که دهقانان زحمکش تنها با اتحاد دمل خود با اتحادی دهقانی و اتحادیه دهقانی و با مداخله مستقیم ارضی که حفا متعلق به آنهاست و توسط سرمایه‌داران و زمینداران و مالکین فئودال تمام شده است می‌توانند به حقوق خود دست یابند. بدون شک راه‌های انقلابی دهقانان از طرف تمام کارگران مبارز و نیروهای انقلابی و کمونیست - مورد حمایت قرار خواهد گرفت.

ندارتك صلح، یا افزایش هزینه نظامی امپریالیستها

برگزار نمودند و این عمل را بعنوان گام مهمی در خلع سلاح معرفی کردند.

اما واقعات برخلاف این تبلیغات چیردیکری را نشان می‌دهد: یکی از مقامات رسمی "پنتاگون" اخیراً اظهار داشته است که بودجه جنگی آمریکا برای سال ۱۹۸۱، ۵۰٪ افزایش خواهد یافت، به علاوه اضافه کرد که چنین افزایشی برای هم‌پیمانان امپریالیسم آمریکا ضروری است و در همین رابطه قابل ذکر است که امپریالیسم ژاپن در سابقه جنون آسای تسلیحاتی شرکت کرده و اخیراً تصمیم گرفته ۹ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار هزینه نظامی سال جاری خود را به ۱۲ میلیارد دلار برای سال ۱۹۸۴ برساند. برای تحقق این امر یعنی افزایش فوق‌العاده هزینه نظامی ژاپن امپریالیسم آمریکا از کمک‌های نظامی به این کشور دریغ نخواهد کرد. امپریالیسم آمریکا در پی آنست تا ژاندارمان سابق اودرا و دور، که یکی از مناطق رقابت با سوشال امپریالیسم شوروی است، تا حد ممکن بفرودت بیاد.

بلندگوهای تبلیغاتی و ارتجاعی و امپریالیستی پیوسته صحبت از "برقراری صلح و آرامش" میکنند و دولت‌های نجا و زکار را حامی خلقها معرفی می‌نمایند. حال آنکه در همان زمان هزینه‌های تسلیحاتی کشورهای امپریالیستی گسترش می‌یابد. بعنوان نمونه در سال ۱۹۷۹ هزینه‌های نظامی در سطح جهان به رقم سابقه ۴۵۰ میلیارد دلار رسیده که با بدگفت بیش از نیمی از این مبلغ متعلق به امپریالیسم آمریکا و سوشال امپریالیسم شوروی است و با اضافه نمودن که از این آهنگ تسلیحاتی همچنان ادامه می‌یابد. سابقه تسلیحاتی در پایان قرن حاضر بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار در سال را بخود اختصاص خواهد داد.

امپریالیست‌ها صحبت از "خلع سلاح"، "تشنج زدن" و "ندارتك صلح" می‌کنند ولی هرگز نایستد فراموش کرد که آنان در همان زمان جنگی جدید و آزمندانه سرحد استقلال و آزادی خلقهای سراسر جهان نداشتند.



نمی‌رسد که خلق بی‌اختیار شده و کورتا و زکونی این رژیم وابسته به آمریکا و نیل به وحدت شمال و جنوب از پای بنشینند.

امپریالیستها ی آمریکا بی‌تکا پوفاخته به جمهوری دموکراتیک کره جهت "عدم مداخله در امور کره جنوبی" اخطار کرده اند و معروف کورال - سی را بسوی آبهای کره گسیل داده اند. با پیدای امپریالیستها ی جنانیکا رپرسید: کی خلقهای بی‌حاشته از نیروی سرکوبگر دشمن ترسیده و دست از مبارزه گشیده اند؟!

اخیراً در وین (اتریش) نمایندگان دو بلوک تجا و زکرتا تووپیما و وزو بر سر اصطلاح کا هشت دستجات و تسلیحات در اروپای مرکزی کنفرانسی

در کره جنوبی هم زمین زیر پای آمریکا می‌لرزد

- جنبش جوانان و دانشجویان انقلابی کره جنوبی با اعتراضات کارگری و اعتراضات توده ای پیوند خورده است.
- دانشگاه در کره نیز مثل هر جای دیگر سنگرزادی است و نبرد هجوم ضد انقلاب.
- سلاحهای در جریان قیام بدست مردم افتاده که سازشکاران می‌کشند آنرا از دست مردم بیرون آورند.

نیروهای شرکتی و ضد "اگنشت" یا گاز اشک آور و درگیری‌های که در روزهای اول متحرک شده شدن یک پلیس و تعداد زیادی زخمی از طرفین گردید، به مقابله با نظامی‌ها در کره تبدیل شد. هم‌اکنون دوهزار تن از افراد پلیس، دانشگاه را در شوش در محاصره دارند و ۱۸۰ تن از رهبران نظامی در همان روز اول و در حالیکه جلسه‌ای تشکیل داده بودند دستگیر شدند. مدارس تعطیل شده اند. حالت فوق‌العاده از سوی رژیم رتاجی اعلام شده اما جنبش همچنان پرتوان به پیش می‌رود.

در ۲۹ اردیبهشت درگیری‌های سختی میان نظامی‌ها و دانشجویان و دستجات نظامی رژیم کره برای پراکنده ساختن نظامی‌ها در کره انجام شد. در گرفت و در همین حال پلیس و نیروهای نظامی از نظامی‌ها در کره به پرواز درآمد. به نیروهای سرکوبگر کمک می‌رسانند. شوش و شهرهای دیگر به صورت پایگاه نظامی درآمده است. حدود ۲۰ هزار نفر به این شهر فرستاده شده که مجموعاً تعداد نیروهای نظامی را به ۲۰۰۰۰ نفر رسانده است. تجهیزات دیگری مانند تانک و خودروهای زرهی به شوش فرستاده شده است.

تعداد زیادی از مبارزان رژیم دستگیر شده اند. ولی با وجود پیروز و روحت، دانشجویان و جنگجویان کره جنوبی به مبارزه خود ادامه می‌دهند و بنحوی که در حال حاضر ۱۶ شهر در تصرف خود قرار داده اند و رژیم را کاملاً ملاحضه ساخته اند. آنان معمم ندانند پیروزی نهایی به پیش روند. مردم خواستار لغو حکومت نظامی هستند که ماه‌هاست ادامه دارد. مردم نسبت به خفایان و عدم وجود آزادی‌های دموکراتیک اعتراض دارند. مردم خواهان برکناری نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور و زمان اطلاعات و امنیت هستند. این نظامی‌ها تا ۳ روز پس از اتمام کارگران در معدن ذغال سنگ در شهر ساپوک واقع در جنوب آغازند و این امر پیوند میان جنبش کارگری و دانشجویان انقلابی و دیگر اقشار خلقی را نشان می‌دهد.

جنبش اعتراضی که رژیم و وابسته‌ها کاملاً ربا بآن آمریکا شش را هدف قرار داده است آنقدر اوج گرفت و عمق یافت که به صورت یک قیام متوجهی در شهر کوانگ جودامد. در این قیام خونین تا روز پنجشنبه بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ نفر از خود را از دست داده اند. تعداد زیادی اسلحه در نتیجه سقوط پا دگانه‌های ارتش بدست مردم افتاده که خاطره‌ای نظیر قیام پرتشو بهمن ایران را در ذهن‌ها زنده می‌کند. هم‌اکنون تانک‌های از سوی برخی نیروهای لبرال و ضد انقلابی صورت می‌گیرند تا به رهبری مردم مسلح را به تحویل سلاحها بشان ترغیب نمایند. اما بنظر



در کره جنوبی نیروی امپریالیسم آمریکا دارد فرو می‌ریزد. ضربات سیاسی جنبش‌های دیگر از دژهای نظامی امپریالیسم آمریکا در جهان را هدف قرار داده و نوید پیروزی خلق در این نقطه زاور دور طنین انداز است.

هفته گذشته ما هدا عتلا، جنبش انقلابی خلق کره جنوبی بودیم. شبه جزیره کره که از لحاظ نظامی و اقتصادی برای امپریالیستها بسیار مهم است طی قرن گذشته در معرض حملات سیاسی امپریالیست‌های ژاپنی و آمریکایی بوده است و خلق کره به اشکال مختلف در برابر آنان و رژیمهای دست‌نشانده شان مقاومت ورزیده است. مبارزه انقلابی علیه تجاوزکاران ژاپنی و نیز علیه امپریالیست‌های آمریکا در دهه‌ها سال طول کشید و سرانجام در سال ۱۹۵۲ آمریکا - شیا نکت مقتضایه‌ای را در کره تحمل کردند. خلق کره برهبری کمونیستها که در "حزب کار" متشکل بودند جنگ انقلابی را پیروزمندانه به پیش برد و در این راه بویژه از حمایت و یاری خلق چین برخوردار بود. بعدها در توازن قدرت بین انقلابیون و نیروی جهانی امپریالیست‌های آمریکا که کره به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شد:

جمهوری دموکراتیک خلق شمال و رژیم‌های دست‌نشانده آمریکا در جنوب. رژیم سرسپرده جنوب منکی بفرودت سرکوبگر ارتش که از سرتاپا بوسیله آمریکا شان مسلح و تغذیه می‌شود متغیر گردید و برای چندین بار رژیم و سربازهای نقش سرکوبگرانه و تجاوزگرانه آن هزاران سرباز آمریکایی و ناوگانهای دریایی پنتاگون در منطقه به حضور خود ادامه دادند. علیرغم انواع فتنه‌ها که به خلق کره در جنوب وارد آمد. مبارزه بی‌کرا نه‌توده‌ها ادامه یافت و دانشجویان انقلابی و کارگران، نقش پیش‌روانه‌ای را در این میان ایفا می‌کنند. مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی در بخش جنوبی کره، در عین حال که مورد حمایت شمال قرار داشته اما با متکی بر خود راه پیموده است.

از ۷۰ ماه پیش که حکومت ۱۸ ساله پارک چونگ هی با پیروزی و به پایا رسید، رژیم ضد خلقی کره جنوبی دجا در سوارهای روزافزونی شده است. نظامی‌ها و اعتراضات گسترده بوده‌ای در هفته گذشته به اوج خود رسید و جوانان و دانشجویان در آن نقش پیش‌روانه‌ای را ایفا کردند.

دستجاتی از دانشجویان انقلابی و آگاه که گاه تعدادشان به ۳۵ هزار نفر می‌رسد نظامی‌ها را گسترده - ای را علیه رژیم وابسته آمریکا کره جنوبی برای انداختند.

بقیه از صفحه ۷

مکالمات ...

دستورفرمانده برای کشتن مردم بی دفاع

فرمانده: من شهرداری بودم از آنجا ... با بیدار زمین عمل کند.

زبردست: بگویم آدم با بیدار سلامی رفتار کند کما ملا طرف مسلح را بکشد نه طرف بیگنا را.

فرمانده: شنیدم، ولی اعلام شده سه روزگی توشهر نیا بدکسی که توشهر با دهها نیت دیگه، هما نیت که میخواد هتورا بزند.

زبردست: بگوشت همت، بگوشت همت، تری همندارم، چیه!! آدم مگر یکبار بیشتر میبرد؟

رژیم جمهوری اسلامی چنین فرماندهانی را به کردستان اعزام داشته است. چنانکه رانی که حتی از کشتن کودکان و زنان بی دفاع ابائی ندارند. فرمانده دستور تیراندازی بطرف مردم سی سلاح را صادر می کند اما این دستور مورد اعتراض زبردست قرار گرفته است. کودکانی که برای یافتن سرپناهی در شهر سرگردان هستند، زنان بی دفاع و مردم بی خانمانی که برای یافتن پناهگاهی و یا در جستجوی عزیزان خود، در سیرون از جها ردیواری های ویران شده آواره اند. همانهایی هستند که میخواستند بروی ارتش تلیک کنند!!

برای کسانی که رژیم با چنین واکنشهایی وحشت بی پایان خود را از رویا روشی با خلق کردنیما پیش گذاشته است.

وحشیگری تا مرز "بریدن سر"

بهمین از شهرام: بهمین: بگویم.

شهرام: آنجا خطراتی شما را تهدید نمی کند، ما خودمان هستیم، خودمان برای شما تجهیزات درست می کنیم.

سرشان را می بریم و می اندازیم رودخانه، بهشان بگو، هر کسی گیرا افتاد.

ببینید آنها چگونه به جنایات خود معتزفند. رژیم جمهوری اسلامی در تبلیغات خود با رها ایمن وحشیگری را به پیشمرگان قهرمان نسبت داده است اما خلق کرد و سوده های آگاه ما می دانند که با وجود این چنین اسانددنه ای، رژیم نمی تواند تا همت چنانکه رانی را نه خود را با تمام تبلیغاتش بیوشتا ندرجا که بریدن سرا سیرتتها از دست ارتش و با داران رژیم برمی آید و بی!!

بقیه از صفحه ۷

پیکار ...

سال آنها بوجود نیا ورده است. با سداران و نظامیان برای مردم سندانج، برنج، نان و ... آورده بودند، اما با عدم قبول مردم مواجه شده و در یکا رستن این حمله جواب دندان شکنی دریافت داشتند، آنجا تکسه پیرزنی برنجی را که با سدار میخواست به او بدهد به عقب زد و مشت خاکی از زمین برداشته به دهان گذاشت و گفت: "من این خاک را میخورم اما به برنجی که شما آورده اید، لب نمی زنم!!"

شنبه ۵۹/۲/۲۷

شلیک رگبار پسوی ماشین مسافربری

یک ماشین مسافربری که از سونکان عازم سفیر بود، زیر رگبار گلوله های با سداران و ارتش قرار گرفت که در نتیجه جندتن از سرنشینان آن محجوج شدند.

روز بعد ستا رنج ۵۹/۲/۲۸ سندانج با ردیگرها حمله قهرمانانه پیشمرگان کومه له به سداران و افغان بود. پیشمرگان رزمده شجاعانه به قلب دشمن حمله کرده و پس از وارد کردن خساراتی به ساختمانها و تانکهای درون آن عقب نشینی نمودند. با سداران و ارتش کماکان برای یافتن پیشمرگان به خانه کردی ادا میدادند، اما در هر بار، با مقاومت و نفرت ساکنان دلیر خانه مواجه شدند.

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت

تهاجم به میوان، ارسال کمک به سندانج

امروز شهروان مورد آماج بورش وحشیانه ارتش و با سداران قرار گرفت. نیروهای سرکوبگر رژیم، قسمت شرق شروسیلورا با حمله رزمده موردتهاجم قرار داده بودند، اما مقاومت پیشمرگان رزمنده کومه له، مانع از پیشروی آنها به داخل شهر گردید.

در همان حال فضای شهر سردشته آکنده از غریبادهای همدردی و همبستگی اهالی این شهر با مردم قهرمان سندانج بود. مردم در دست برای عملی نمودن همدردی خود کمک های مالی داروئی و غذائی فراوانی جمع آوری نموده و به سندانج ارسال داشتند.

پهاد کردن چترها از وسیله هلیکوپتر

در آخرین روزهای اردیبهشت ماه، درگیریهای پراکنده در سندانج و با نهاد امداد داشت. در این روزها طبق اخبار اولیه، ستون اعزامی رژیم هنوز به پناه نرسیده بود و با دگان شهر با نه کماکان در محاصره. پیشمرگان رزمده قرار داشت. در همان حال مزدوران ارتشی در ارتفاعات کوه "آریا" با "وسیله هلیکوپتر تعدادی چترها پیاپی ده کردند، اما آنها در محاصره پیشمرگان قهرمان قرار گرفتند و طی یک درگیری ۴ نفر از چترها را زان کشته و ۱۱ نفر از آنها بدست پیشمرگان اسیر شدند.

سندانج نیز تا حد شیب خون پیشمرگان به ارتش و با سداران در نقاط مختلف شهربود.

پیکار دلیرانه پیشمرگان در شهرهای مختلف کردستان در هفته گذشته نشان داد که خون سرخ انقلاب هنوز در رگهای کردستان جاری است و کردستان قهرمان همچنان با برجا به نبرد خونین خود ادامه خواهد داد.



تازه ها شکست پیروز خواستار آزادی و استقلال
سینه ها را بالا گرفته و برای یکرنگی
سلاحهایشان را جمع کرده اند

توضیح و تصحیح

در پیکار ۵۳، در گزارشی مربوط به تقسیم زمینهای روستای حاجی آریا دلاهیجان آمده بود یک گردان زاندارم به روستایان حمله کردند که "یک گردان" نادرست بوده و صحیح آن عده ای زاندارم میباشد.

بقیه از صفحه ۲

بود آنها تلاش کردند که نظر مجاهدین را نسبت به خود جلب نمایند. سیاستی که از مدتها پیش به محسوس از طرف بنی مادی برای جلوگیری از اتحاد عمل و بوجود آمدن صف واحد مجاهدین و نیروهای انقلابی چپ از یکطرف و برای تضعیف موقعیت دیگر جناح قدرتمند در قیاسب یعنی حزب جمهوری اسلامی از طرف دیگر دنبال میشود.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بفیه از صفحه ۸

پیروزی...

جما هیروروی سوسا لیسیتی ونیرومندترین قدرت امپریا لیسیتی یعنی آلمان هیتلری جریان داشت. فاشیسم هنگا میگه تقریباً سراسر اروپا را به اسارت درآورد به شوری حمله کرد و در اینجا تمام مردم غربان بین دونظام یکی امپریا لیسیتودیکری سوسا لیسیم بوفوق پیوست. ولی نخستین کشور سوسا لیسیتی، ماشین جنگی ناز و هیتلری را زیر ضربات کوبنده خود خرد کرد. حزب کمونیست شوروی به رهبری استالین تحت پرچم لنینیسم خلقهای شوروی را متحد ساخته و تا پیروزی کامل بر فاشیسم به پیش رفت. بدون ساختن اقتصاد سوسا لیسیتی، بدون صنعتی کردن کشور و کلهجوری نمودن کشاورزی، بدون استحکام بخشیدن به وحدت طبقه کارگر و دهقان و بدون رهبری حزب کمونیست پیروزی بر فاشیسم ممکن نبود. سوسا لیسیم و دیکتاتوری پروتسار را شکست دهنده اصلی فاشیسم هیتلری بودند. این پیروزی نشان داد که سوسا لیسیم و طبقه کارگر شکستناپذیرند و سرمایه داری امپریا لیسیم و همه طبقات استعماری را محکوم به نابودی حتمی می‌باشد. این پیروزی نشان داد که مارکسیسم لنینیسم تنها ایدئولوژی علمی و مترقی عصر ما است. رفیق استالین میگوید:

"پیروزی ما بیش از هر چیز معنای استحکام نظام اجتماعی شوروی ما بر سرور گردیده است و نظام اجتماعی شوروی در آن حقیقتاً از سوسا لیسیم آرمای منموقع سرور آمده است و همه سوسیالیست شوروی حقایق خود را بطور تمام و کمال به سوت رسانده است."

او بعلاوه میگوید:

"جنگ کواچی میگذرد که نظام اجتماعی شوروی یک نظام توده‌ای حقیقی است که از میان مردم سرور آمده است و از پشتیبانی سرورمند آنها برخوردار می‌باشد." (نطق انتخابی استالین در حوزه انتخابی استالین - فوریه ۱۹۴۶)

خروش و مردان حزب توده
علیه استالین

پیروزی بر فاشیسم پیروزی سوسا لیسیم بود. ولی این نکته اساسی را نیز باید اضافه نمود که پیروزی خلقهای وارث سرخ اتحاد جماهیر شوروی با رهبری رفیق استالین پیوندی ناگسستنی دارد. این استالین بود که با محکم دست گرفتن امور حزب و دولت شوروی در شرایط برآمده فاشیسم در اروپا به تحلیل علمی از این پدیده پرداخته و حزب و خلقهای شوروی را از نظر سیاسی تجهیز نمود. این استالین بود که به فرمانده کل قوا در شرایط وارث سرخ قرار گرفته و نیروهای نظامی را در کلبه پیکارها و جنگها تا شکست فاشیسم هدایت نمود. استالین الهام دهنده خلقهای جهان در مبارزه ضد فاشیستی و رهاشی بخش بود. ما استالین با کلبه پیروزیهای خلقهای شوروی و دیگر خلقهای جهان علیه فاشیسم عجیب گشته است.

اما چگونه که گفتیم ما استالین با پیروزی خلقهای بر فاشیسم عجیب گردیده است. زیرا که استالین در هدایت جنگ ضد فاشیستی نقش قاطعی داشت و نام او الهام دهنده خلقهای پی بود که برای درهم کوبیدن

اسارت و بردگی فاشیستی مبارزه میکردند. بعلاوه این پیروزی ضربات فزاینده‌ای بر امپریا لیسیم جاری می‌آورد و در حقیقت سوسا لیسیم را - بر حده تریاخی - بدین لحاظ سرمایه داری و امپریا لیسیم جاری می‌نماید که سوسا لیسیم سخته می‌کند و در آن در پی آنند تا با حمله به سالین کبیر، در عین حال به سوسا لیسیم و انقلاب خلقهای نیز حمله بکنند. اما سوسا لیسیم بورژوازی جهانی به سالین حمله می‌کند، زیرا استالین نشان بر حده کشور سوراها و با حمله سوسا لیسیم است.

در این باره رویزونیستها چه می‌گویند؟ رویزونیستهای خروچیفی که دسمان طبقاتی پروتسار و سوسا لیسیم می‌باشد، در پیستین کنگره حزب کمونیست شوروی خط می‌رویزونیستی و فاشیسم را می‌نمایند. خود را را شده و به حمله به انقلابی علیه استالین دست زدند. آن‌ها بطور کلی به فاشیسم کامل استالین و دساوردهایش (از جمله در جریان جنگ ضد فاشیستی) زده شدند. رویزونیستها به تحریف تاریخ دست زده و مدعیان کوشیدند تا پیروزی جنگ ضد فاشیستی را دساورده خود جا بزنند.

در این کنگره خروچیف مرتد مطرح می‌کند که استالین قبل از شروع جنگ در برابر فاشیسم‌ها و ناز و کارا به دتمن از خود "لافتی" نشان داد و "همه چیز را نادیده می‌گرفت" و "ما نیکه جنگ شروع شد و ما بوس گردیده و به این فکر افتادیم که دیگر همه چیز تمام شده است" و "باید از رهبری کردن استکلاف ورزید". خروچیف می‌گوید استالین را نمی‌توان فراموش می‌بزرگ بشمار آورد، زیرا او "احتمالی" بیش نبود. در همین کنگره زمانی که رویزونیستهای خاش به رفیق استالین دشنام می‌دادند و تاریخ را تحریف می‌کردند و فاشیسم را بدو و بر حده می‌ساختند. آن‌ها مژرانه ادعا می‌نمودند که کوبا خروچیف در زمان جنگ، "همیشه در آن نقطه ای بود که بیش از همه مشکلات وجود داشت و در موارد زیادی تصمیمات خردمندانه‌تری از تصمیمات فرماندهی کل پیشیندا می‌گرفت و کوبا "خروچیف نه تنها "روح مردم استالینکرا" بود، بلکه بسیاری از پیکارهای مهم و حاس "از رهبری می‌کردند. رویزونیستها با دشنام به استالین، در پی آن برآمدند تا خروچیف را فرمانده کل جنگ میهنی و "قهرمان جنگ ضد فاشیستی قلمداد نمایند. امری که تحریف کامل تاریخ است.

رویزونیستهای مرتد حزب توده نیز در این مورد دست به تحریف می‌زنند. آن‌ها در ارگان فاشی انقلابی خود "مردم"، در تاریخ ۵۹/۲/۱۸ مقاله‌ای دربارۀ جنگ دوم پیروزی بر فاشیسم آورده‌اند. در سرنا پای این مقاله حتی یکبار نیز نامی از رفیق استالین بهمان نیا آمده است. رویزونیستهای حزب توده خاش دربارۀ نقش برجسته استالین در جنگ ضد فاشیستی توطئه سکوت می‌کنند. آن‌ها از نام استالین و حشدارند و در عین حال با توطئه سکوت خود دشمنی آشکار خویش را با استالین، سوسا لیسیم و طبقه کارگر بیان می‌کنند. این امر در منطق طبقاتی رویزونیستها ست که پیوسته خیانت ورزند.



بفیه از صفحه ۴

اعتراض...

بستن و محبوس کردن جایگاه‌ها یعنی از بین بردن امکان تاجاب و نشر توسط نهادهای مسئول یا عضو نگرانی شدیدترین کشته است. بطوریکه مصمرا حواسنا ررفع اینگونه تضییقات می‌باشد.

ما توجیه مراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در موردنا منن شغلی و آزادی بیان و نشر اندیشه که از اساسی ترین شرطات انقلاب ملت نپریان ایران می‌باشد، ما از آن مقام حواسنا رد خالت مونیر در این امور که مربوط به سرنوشت کل انقلاب است، می‌باشیم. حواسنا روس ندن "موراد" بهما همکاران دسگریده که حتی بدون محاکمه کلبه کسا بهما نشان ضبط شده است و شش فرونگا ههای آنها موجب سگاری کارگران و عدم انجام تعهدات متعددشان نسبت بهما همکاران و اصناف مربوط گردیده است و هم - جنین سرنوشتی زمینه‌ای است که در آن سرنوشت طبع کسا با امکان بدیر باشد."



بفیه از صفحه ۵

هجوم...

سربندها ش "قلی سکوری" که قبلاً سرکوب زحمتکشان را توسط زاندارمری شاهنشاهی تحریر کرده‌اند و می‌دانند که در دولت سرمایه داران همیشه قدرت نظامی دولت افزون‌دها و سرمایه داران پشتیبانی می‌کند، این با سربندها تکیه بر نیروی مسلح دولت، سعی در سرکوب مبارزات سرحی زحمتکشان را پس روستا دارند.

با ساداران ارتجاع ... در (تاریخ) ۵۹/۲/۲۲ با زهم (ه) بهما نه پیدا کردن مشروب به ده هجوم می‌برند و بهما یکی از اهالی روستا بنام "عوض" می‌برزند. با ساداران شیران به سنگ می‌خورند و مشروب پیدا نمی‌کنند. لیکن برای سرنوشت زحمتکشان مبارز روستا، فردنا میردها بهما دنگ می‌گیرند. اهالی روستا بهمدای فریاد دعوی از خانه‌ها بیرون ریخته و به عمل و حبس نه ساداران اعتراض می‌کنند. لیکن با ساداران توجیهی نکرده و عوض را داخل یک ماشین "آهوی" می‌بانی شما ره موقت سیزرنگ "می‌اندازند و چون با اعتراض شدید مردم روبرو می‌شوند، با وقاحت و بیشرمی با اسلحه‌های آمریکائی خود بروی توده‌های انبوه مردم آتش می‌کشند و بهما را به قتل می‌کشند. با ساداران ۲۵ ساله خوش نشین، بهما ۲۳ ساله خوش نشین، محمد ۱۸ ساله و نوروز پسر علیمان ۱۴ ساله جوان زخمی می‌کنند. این با ساداران انقلاب! ... هنگا مبردن محمد به ساداران ... با همدیگر مشورت می‌کنند تا او را بکشند. لیکن به علت مخالفت یکی از با ساداران و عفا و مت محمد موفق به اجرای این شیت کشیف و جنون آمیز خود نمی‌شوند. (هم‌اکنون) محمد برای مداوا به تبریز انتقال یافته است.

(ه) - ساداران سال گذشته نیز بهما نه پیدا کردن مشروب به این روستا هجوم آورده و با زور اسلحه شام‌خانه‌ها را گشته است.

بقیه از صفحه ۱۶

رفیق ...

درونی سازمان محاذین نیز از جمله اولسن رفقای
بود که بدولوی طبعی که با رکیزم - لنینیسم
را پذیراند. رفیق، پس بعنوان یکی از مسئولین
خارج ارگتوریکس مستقیم سازمان محاذین
خارج در سنده دودنا چند ماه قبل از نیمه ماه
به ایام و طایف سازمانی این در آنجا حمت کماشت و
از نزدیک با انقلاب فلسطین و انقلاب عمان آشنا
گردید. بدنی قبل از ایام او همرا با برخی دیگر از
رفقا به حبس به یز آن بازگشت و میا رزه خود را بر
علیه رژیم صهیونیستی ادا مهاد. رفیق در جریان
نیام شوگومندیم ما همرا با انبوه نوده های
سریکونی رژیم ما و در هم شکستن ارتش مزدوران در
فما برکت کرد و انکا فقط چند ماه بعد از قیام
توسط رژیم جمهوری اسلامی به زندان فرستاده شد و
این در حالی بود که با اکسپا وحشی برخی از سرمداران
رژیم با یکی از دیگران آزاد میسند. روشی که
ادامی با واکسون ایام دسبا روسیتری با فقه
اس. با واکسپا و سرمداران رژیم به تنهایی آزاد
کرد. «...» «...» «...» «...» «...» «...»
از اموالشان رفع مهاد میسند. آنها روز بروز
موروخود مستقیم شده خود را در آنجا نهی حساب
ملکیتی نفوذ می بخشند و با بهینه برگردگان
رژیم جمهوری اسلامی به نوطه حبسی و سرکوب شروهای
انقلابی اقدام می ورزند و اینها البته بهیوجه
غیرمنطقی و غیرطبیعی نیست. رژیم که کمر به
بازسازی نظام سرمایه داری وابسته ایران بسته
است، طبیعتا مداخل سرمایه داران، سران مرتجع
ارتش، فسادها، با واکسپا و فساد انقلابیون است نه
کا رگران و دهقانان زحمتکش، برسل انقلابی و
انقلابیون حسکی نابذری که در رویا روشی و
مقابله با امپریالیسم رژیم ما آید شده اند. این
است که رژیم جمهوری اسلامی بر علیه امپریالیسم
فرا دمیزدولی سرکوب و کشتا و شروهای انقلابی
بویژه انقلابیون کمونیست، ولایت های تحت ستم
در دنا که و کردستان می بردارد.

ب اوضاع برای ما به خواهمداند، نه هم
بوده با کا روگوش حسکی نابذری و شروهای انقلابی
زبانگر در رژیم جمهوری اسلامی فروخواهد ریخت و
دیگر حمتگان ایران اجازه نخواهند داد در زندگان
و انقلابیون کمونیست، همچون رفیق محمد دران در

جنبش ...

اشاره می کنیم که به انکال مختلف در سراسر کسانیکه
با آنان چنین رفتارها می داندند و متهم شده
اند. در واقع بخشی از مبارزه طبقاتی سازمان در
مبارزه آنها علیه نژادپرستی تحمیل و تبلیغ میسند.
در سیم سیاهوستان کسانیکه مانده دکتور لنینیسم
کینک بودند که اصلاح طلبانه و از طریق منطق کششی
میخواست "حقوق مساوی" را در "قانون" برای سياهان
تا مین نماید در صورتیکه این تبعیض نژادی جدا از
ماهیت سرمایه داری آمریکا و اساسا بر جا معطیلاتی
نیست. ما لکولم یکس، یکی از رهبران
مسلمانان سیاهوستان نیز گوتیدما استفاده از شعار -
های رفرمیستی "مساوات حواءنه" اسلامی بسیاری
سياهان "حقوق مساوی" تا مین نمایند که و نیز مانند
لوتر کینک بدست نشوای رست های سفید پوست سرور
شد. امروز سياهان آمریکا علیه تبعیض نژادی مبارزه
میکنند، به عبارت دیگر این جلوه ای از مبارزه طبقاتی
تا مین میباشند و تلاش رهبران رژیم جمهوری اسلامی
ایران که میخواهند مبارزه سياهان را در سياهوستان
سياهان مسلمان خلاصه کنند، حقیقت را تحریف میسند.
میکنند. آری، بسیاری از سياهوستان آمریکا تحت
تا نیرشارهای "مساوات حواءنه" اسلامی خسود را
مسلمانان میدانند و این بدان معنی نیست که
راه حل مسئله تبعیض نژادی در مسلمانان شدن آنهاست
آنهم مسلمانان از نوع آثای عالیه و محمد رفیق
مسلمانان سیاهوستان که یک رفرمیست در خدمت "حقوق
بشر" کا و سروجه ما در خدمت "سا" "مساوات" میسند و
دیدیم مثلا محمد علی کلی چگونه بعنوان نماینده
آثای کا و سروجه آفریقا رفت تا آفریقا سياهان را از ترک
در سياهی المیک باز دارد!
آثای پهنی سک حمایت از "سياهان مسلمان"
را سینه میزند و دولی بسیاری از کسانیکه و رژیم
جمهوری اسلامی را می شناسند معنای حمایت ایشان
را از سياهان مسلمان با حمایت آنها از "خلق مسلمان
کرد" مقابله خواهد کرد!

محبت استعمارگران از فعالیت اجتماعی - سیاسی
و تلاش و مبارزه در راه تعالی و ترقی زندگی زحمت
کشان محروم میمانند. یا مید آنروز.

(۱) - دستگیری رفیق یزدانیان در همان زمان
۵۸/۱۰/۲۴ توسط با ارتش اتحادیه مبارزه در ایران
طنبه کا رکرا اعلام گردید.



دیگر سرسره های امپریالیسم نیز نمی تواند نشان مبارزات سياهان آمریکا را خاموش کند.

با ری، در مقابل با اقدامات اصلاح طلبانه برخی
از رهبران سیاهوستان، چیزی که شاید بتوان آنرا
"ناسیونالیسم" تعبیر کرد با حالتی تعرضی
بدیده، که جنبش "دورتن سیه" و "پلکان سیه"
لقب گرفت.

سیاهوستان به سنده آ آمریکا برای زنده نگه -
داشتن سرنوشته و طلب انظار و حمایت جهان نسان
بطریق مختلف تلاش کرده اند. کلیه این تلاشها بدلیل
آنکه بوسیله نیروهای انقلابی سياهوستان و
کا به شکل رفرمیستی با این تحولات آشنا رستنی
همرا بوده است و نیروی عظیم سياهان که عموما
زحمتکش اند علیه دشمنان واقعی شان که همان سياه
سرمایه داران هستند آگاه و بسیج نشده این مبارزات
تا کنون به نتیجه نرسیده است.

در چنین حالتی است که کار رفیق می یابد
فرسکاری خود را طرفدار حقوق بشر و حقوق سياهان
سما مدویدیک خود فروخته سما آن در و بانگ را که
سياهوستان بعنوان نمونه ای از "احترامی" که
به سياهان میکند و به دلیل محدودیت و او را
نمایند داشته امپریکا را خاموشی میکند.

هر با رگه نرسی در مقابل سياهوستان علیه
قوانین ظالمانه تبعیض نژادی وقوع می پیوندد،
نیروهای سرکوب سرور و آری آمریکا به وحشیانه ترین
تکلی به قتل و تهم و کشتا سياهان می بردارند.
جندال بیش که محله "هالرم" نیویورک سیه شورش
برداشت طی چند ساعت ۱۱ هزار پلیس و جنر با ارتش
آمریکا آن منطقه را اشغال کردند.

و در شورش های اخیر شهر می ایالت کالیفرنیا
چهار هزار نفر افراد را رد ملی آمریکا سرعت در منطقه
مستقر شدند، شورش های میا می تا روز چهارشنبه آخر
اردیبهشت ۱۹ کشته و ۲۷۱ زخمی بجای گذاشت. مقر
ات منع عبور و مرور سياهوستان به مرحله اجرا گذارده شده و

● در سیم سیاهوستان کسانیکه مانده دکتور لنینیسم
بودند که اصلاح طلبانه و از طریق منطق کششی
میخواست "حقوق مساوی" را در "قانون" برای سياهان
تا مین نماید در صورتیکه این تبعیض نژادی جدا از
ماهیت سرمایه داری آمریکا و اساسا بر جا معطیلاتی
نیست.

● امروز سياهان آمریکا علیه تبعیض نژادی مبارزه
می کنند، به عبارت دیگر این جلوه ای از مبارزه
طبقاتی تا مین میباشند و تلاش رهبران رژیم
جمهوری اسلامی ایران که میخواهند مبارزه
سياهان را در مبارزه سياهان مسلمان خلاصه
کنند حقیقت را تحریف می کند.

در مقابل بسیاری از موسسات وابسته سرمایه داران
به آتش کشیده شده که میزان خسارات مالی را از این
رهگذر به ۱۰۰ میلیون دلار تخمین زده اند.

جنبش سياهان موجی است دامنه دار و عظیم
شونده که با اوگیری و تشدید مبارزه طبقاتی در
جامعه ایالات متحده و با ضرباتی که بر دیگر امپریالیسم
در سطح جهان وارد می آید ارتباط ناگسستی دارد و
جنبش سياهان همدوش با مبارزه طبقه کارگر و دیگر
زحمتکشان امپریالیسم را از درون تهدید به تلاشی
میکند. این مبارزه همرا با مبارزات گسترش یابنده
و فرا بنده ضد امپریالیستی خلقهای جهان به بشر
خواهد رسید. حمایت از مبارزه سياهان و طبقه همه
نیروهای انقلابی و بویژه کمونیست است.

